

The Genealogy of the Artistic Family of Najafali Naqqashbashi Isfahani

✉ Taha Sanizadeh,¹ ✉ Hasan Bolkhari Ghehi,²

1-Ph.D. Candidate in Comparative and Analytical History of Islamic Art, Department of Advanced Studies in Art, Faculty of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran, (Corresponding author).

2-Professor, Department of Advanced Studies in Art, Faculty of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

Introduction: One of the distinctive characteristics of Iranian art in past centuries was the formation of artistic families, through which artistic knowledge, skills, and professional traditions were transmitted from one generation to the next. This process led to the emergence of artistic lineages whose members often played important roles in the preservation, development, and continuation of specific artistic traditions. Such family-based transmission was not limited to painting and calligraphy but extended to a wide range of artistic fields, including architecture, music, pottery, and other crafts. Through these familial networks, artistic styles and techniques were transmitted across generations, contributed significantly to the continuity of Iranian artistic heritage. Despite the historical importance of these artistic families, information regarding their personal histories, familial relationships, and artistic backgrounds remains limited. As a result, many aspects of their genealogies and their roles in the development of Iranian art have remained unclear. The reconstruction of these lineages is therefore essential for a more accurate understanding of the social and artistic history of Iran. Among the most significant of these lineages is the artistic family of Najafali Naqqashbashi Isfahani, a renowned painter of the early Qajar period. Over several generations, this family produced a number of influential artists who played a major role in the preservation and development of Iranian painting, particularly lacquer painting, miniature painting, and enameling, from the late eighteenth century to the twentieth century. Several members of this family were recognized among the leading artists of the Zand, Qajar, and Pahlavi periods and played an important role in the development of Iranian painting and related decorative arts. The importance of this family has attracted the attention of numerous researchers, both in Iran and abroad. However, previous studies have presented conflicting genealogical reconstructions and contain significant gaps and inconsistencies regarding the origins and relationships of these artists. These discrepancies appear to result from limited access to historical documents and reliance on unverified assumptions. Accordingly, re-examining the genealogy of this family through newly available documentary evidence is necessary and may illuminate an overlooked aspect of Iranian art history.

Purposes & Questions: The main objective of this study is to reconstruct the genealogy of the artistic family of Najafali Naqqashbashi Isfahani and to identify the ancestry



► Received: 2025-09-28
 ► Final revision: 2025-12-08
 ► Accepted: 2026-01-10
 ► Early online access: 2026-01-14
 ► Published: 2026-07-01

►1
 Email: taha.sanizadeh@ut.ac.ir

►2
 Email: hasan.bolkhari@ut.ac.ir

Abstract

► Negareh
 ► Summer 2026 - NO 78



of its members. Accordingly, the research seeks to answer the following question: Who were the father and ancestors of Najafali Naqqashbashi Isfahani, and in what historical context did this artistic family emerge and develop?

Methods: This fundamental qualitative research was conducted using a historical approach and a descriptive-analytical method. Data were collected through library research, electronic resources, historical documents, and archival evidence. The analysis was carried out using an inductive approach, with particular emphasis on the examination and comparison of documentary sources related to the family and its members.

Findings & Results: The findings of the study are based primarily on a historical document—the marriage certificate of Aqa Najaf Isfahani dated 1232 AH, presented and analyzed here for the first time—together with other supporting historical evidence. The analysis demonstrates that Najafali Naqqashbashi Isfahani was the son of Aqa Mohammad Jafar, known as Aqa Baba Naqqash, an artist active during the Zand and early Qajar periods, and the grandson of Mohammad Baqir, a painter active between the late Safavid and early Qajar eras, who was most likely the renowned artist Mohammad Baqir Naqqash. The study also confirms the fraternal relationship between Najafali and Mohammad Ismail, another prominent painter of the Qajar period, thereby resolving one of the uncertainties found in previous scholarship. Furthermore, one artistic work attributed to their father, Aqa Baba Naqqash, was identified and introduced, providing new evidence regarding his artistic activity and position within the family tradition. The research additionally confirms the existence of their elder brother, Mohammad Hassan, and reveals that he was active in calligraphy, particularly in the writing of Naskh script and the decoration of Qur'anic manuscripts. By synthesizing documentary, archival, and historical evidence, the study reconstructs the genealogy of this artistic family from the late Safavid period to the contemporary era. The findings therefore provide new insights into the history of Iranian art and demonstrate the significance of family networks in the preservation and continuation of artistic traditions over more than three centuries.

Keywords: Najafali Naqqashbashi Isfahani, Genealogy, Artistic family, Aqa Baba Naqqash, Mohammad Baqir Naqqash

Abstract

پژوهشی در تبارشناسی خاندان هنری نجفعلی نقاش‌باشی اصفهانی

طاها صنیع‌زاده* حسن بلخاری قهی**

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۱۰
بازنگری نهایی: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ زودآیند: ۱۴۰۴/۱۰/۲۴

صفحه ۴۶ تا ۷۹

نوع مقاله: پژوهشی

DOI:10.22070/negarch.2024.19736.3444

چکیده

مقدمه: خاندان هنری آقا نجفعلی نقاش‌باشی اصفهانی، از شناخته‌شده‌ترین خانواده‌های هنری فعال در عرصه هنرهای سنتی ایران است که هنرمندان سرشناس متعددی در آن ظهور یافته‌اند. اهمیت جایگاه این خاندان در هنر سه قرن اخیر ایران سبب شده است که پژوهشگران داخلی و خارجی بسیاری درباره تبارشناسی هنرمندان آن به پژوهش و نظریه‌پردازی بپردازند. با این حال، وجود تناقض‌های اساسی و برخی کاستی‌ها در نتایج پژوهش‌های پیشین سبب شده است که نظریه‌های موجود با تردید مواجه شوند و نیاز به بازبینی و تصحیح داشته باشند.

اهداف و سؤال‌ها: هدف اصلی این پژوهش، تبارشناسی و معرفی پیشینه این خاندان هنری بر مبنای اسناد تاریخی مغفول‌مانده‌ای است که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش آن است که تبار این خاندان هنری به چه دوره‌ای باز می‌گردد و اجداد آقا نجف اصفهانی چه کسانی بوده‌اند؟

روش‌ها: این پژوهش از نوع پژوهش‌های بنیادین و کیفی است که با شیوه توصیفی-تحلیلی و رویکرد تاریخی انجام شده است. گردآوری اطلاعات نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، منابع الکترونیکی و مراجعه به اسناد تاریخی صورت گرفته و داده‌ها با رویکردی استقرایی تجزیه و تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها و نتایج: نتایج این پژوهش که بر مبنای متن سند قباله‌نامه از دواج آقا نجف اصفهانی مربوط به سال ۱۲۳۲ ه.ق - که برای نخستین بار منتشر می‌شود - و نیز سایر شواهد تاریخی استوار است، نشان می‌دهد که نجفعلی اصفهانی فرزند آقا محمدجعفر (ملقب به آقا بابا نقاش، هنرمند دوره زندیه و اوایل قاجار) و نواده محمدباقر (متعلق به اواخر دوره صفویه تا اوایل دوره قاجار و احتمالاً همان محمدباقر نقاش مشهور) بوده است. همچنین، رابطه برادری نجفعلی با محمداسماعیل نقاش‌باشی، دیگر هنرمند سرشناس دوره قاجار که پیش از این مورد تردید برخی پژوهشگران قرار گرفته بود، به اثبات رسید. از این رو، سلسله انساب هنرمندان این خاندان هنری از اواخر دوره صفوی تا دوره معاصر شناسایی و معرفی شد.

واژگان کلیدی: آقا نجف اصفهانی، نجفعلی نقاش‌باشی، تبارشناسی، خاندان هنری، آقا بابا نقاش، محمدباقر نقاش.

* دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران،
(نویسنده مسئول).
Email: taha.sanizadeh@ut.ac.ir

** استاد گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: hasan.bolkhari@ut.ac.ir





مقدمه

لاکی، میناکاری و دیگر هنرهای وابسته بود. تداوم این سنت هنری در نسل‌های بعدی خاندان نیز تا دوره معاصر مشاهده می‌شود. با وجود شهرت فراوان آقا نجفعلی، اطلاعات موجود درباره زندگی و پیشینه او همچنان محدود است.

به سبب جایگاه برجسته هنری و اجتماعی این خاندان، تاکنون پژوهشگران متعددی در داخل و خارج از ایران به مطالعه درباره این خانواده و هنرمندان آن پرداخته‌اند. یکی از موضوعاتی که طی حدود شش دهه گذشته بیش از سایر مباحث توجه محققان را به خود جلب کرده، تبارشناسی این خاندان و شناسایی زمان پایه‌گذاری آن در عرصه هنر سنتی ایران است. واقعیت آن است که اطلاعات موجود درباره پیشینه این خاندان، پیش از شخص آقا نجفعلی، اندک، پراکنده و گاه متناقض است. افزون بر این، یافته‌های پژوهش‌های پیشین با دو چالش اساسی روبه‌رو هستند: نخست، فقدان اتکا به اسناد تاریخی معتبر و دوم، وجود اختلاف‌ها و تعارض‌های جدی در نتایج؛ بنابراین، هدف پژوهش حاضر، شناسایی تبار خاندان آقا نجفعلی اصفهانی و معرفی پدر یا نیاکان احتمالاً هنرمند او با اتکا به اسناد تاریخی نویافته است. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش آن است که تبار و پیدایش این خاندان هنری به چه دوره‌ای باز می‌گردد و اجداد آقا نجف اصفهانی چه کسانی بوده‌اند؟ ضرورت و اهمیت این پژوهش در آن است که نتایج آن، افزون بر شناسایی تبار یکی از خانواده‌های مهم هنری سده‌های اخیر ایران، به کشف و معرفی بخشی ناشناخته از سلسله روابط «استاد و شاگردی» در هنرهای سنتی ایران خواهد انجامید.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های اکتشافی قرار می‌گیرد که از حیث هدف، بنیادی و از منظر ماهیت، کیفی است. روش پژوهش در این نوشتار، از نظر اجراء، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تاریخی است. همچنین، داده‌های موردنیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، منابع الکترونیکی و مراجعه به اسناد تاریخی گردآوری شده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به شیوه استقرایی انجام گرفته است.

پیشینه پژوهش

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، جایگاه برجسته خاندان

در هنرهای سنتی ایران، «خاندان‌های هنری» از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ساختارهای صنفی هنر به شمار می‌آیند که در آن‌ها بسیاری از دانش‌ها، مهارت‌ها و رموز فنی و هنری از نسلی به نسل دیگر در درون خانواده‌ها منتقل می‌شود. در تبیین مفهوم «خاندان هنری» می‌توان گفت که این پدیده، هم‌راستا با نظام آموزشی هنر در ایران قدیم - که به نظام «استاد و شاگردی» شهرت دارد - حاصل انطباق و هم‌نهشتی دوگانه «استاد-شاگرد» و «پدر- فرزند» است. بدین معنا که آموزه‌های هنری به شیوه استاد و شاگردی از پدر (به‌عنوان استاد) به فرزند یا فرزندان (به‌عنوان شاگرد) انتقال می‌یافت و این روند در چندین نسل پیاپی استمرار پیدا می‌کرد. عواملی همچون میزان تداوم فعالیت هنری خاندان از نظر تعداد نسل‌های هنرمند، جایگاه هنری و اجتماعی اعضای آن، کیفیت و کمیت آثار برجای‌مانده و میزان شهرت هنرمندان خانواده، همگی در تعیین ارزش و جایگاه یک خاندان هنری از منظر هنری و پژوهشی مؤثرند.

از جمله خاندان‌های هنری ایران، می‌توان به خاندان ابوطاهر کاشانی (فعال در زمینه تولید سفالینه زرین‌فام)، خاندان محمدزمان (نگارگران دوره صفوی)، خاندان غفاری کاشانی (نقاشان برجسته دوره قاجار) و خاندان امامی اصفهانی (هنرمندان نقاش و نگارگر دوره‌های قاجار و پهلوی) اشاره کرد. با این حال، پژوهش درباره خاندان‌های هنری، تنها مطالعه احوال و آثار یک خانواده نیست؛ بلکه کشف و معرفی سلسله‌ای از روابط استاد و شاگردی میان هنرمندان ایران است که نقشی مهم در شناخت چگونگی مراحل تکوین و تکامل هنرهای سنتی ایران ایفا می‌کند.

یکی از خانواده‌های مهم هنری که در ایران و به‌طور مشخص در اصفهان، ظهور و گسترش یافت، خاندان آقا نجفعلی نقاش‌باشی اصفهانی است. این خاندان در میان هنرپژوهان شناخته شده است و نقش برجسته در گسترش و توسعه هنرهای سنتی ایران در سده‌های ۱۲ تا ۱۴ ه.ق داشته است. نخستین چهره شاخص این خاندان که خانواده نیز به نام او شناخته می‌شود، آقا نجفعلی اصفهانی یا به اختصار آقا نجف اصفهانی است. وی از مشهورترین نقاشان ایرانی دوره قاجار و عضو برجسته سلسله‌ای از هنرمندان فعال در عرصه‌های نگارگری، نقاشی

را تا هنرمندان دوره صفوی امتداد داده است. این پژوهش نیز همچنان به دلیل اتکا به آرای کریم‌زاده و استفاده از حدسیات به‌منظور شناسایی اجداد نجفعلی، نیازمند تصحیح و تکمیل است. آخرین پژوهش این گروه مقاله «Najaf an Iranian Artistic Family» در سال (۲۰۲۲ م. / ۱۴۰۱ ش) نوشته دکتر ایمان محمد العابد یاسین (Elabed Yaseen, 2022) پژوهشگر مصری است که ضمن معرفی این خاندان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین خانواده‌های هنری ایران، با بررسی منابع فارسی مرتبط، نتایج پژوهش دکتر آژند را تکرار کرده و سبب پیدایش بُعد بین‌المللی در مسئله پژوهش شده است.

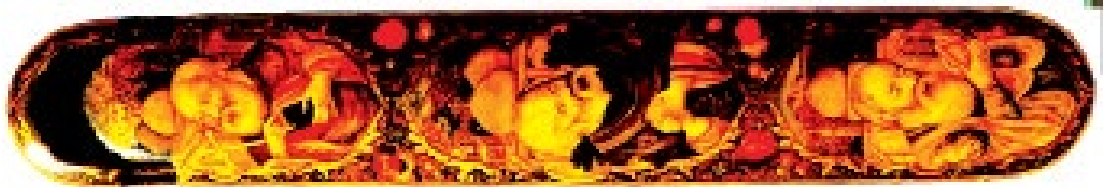
چنان‌که مشهود است، جایگاه این خانواده در هنر ایران سبب شده تا هنرپژوهان مطرح داخلی و خارجی هریک به سهم خود تلاشی در جهت معرفی این خانواده و هنرمندان آن داشته باشند؛ اما نکته مهم آن است که بر مبنای مطالب یادشده، اختلاف‌نظرهای جدی و اساسی در خصوص بنیادین‌ترین مباحث مربوط به این خانواده وجود دارد که همچنان حل‌نشده باقی‌مانده است. اتکای عمده این منابع بر آثار هنری به‌جامانده از این هنرمندان بوده و تنها سند تاریخی در دسترس این پژوهشگران، قبالة‌نامه ازدواج دختر آقا نجف بوده است که این سند نیز به دلایلی که در ادامه بررسی خواهد شد، دارای نواقص و اشکالات نگارشی متعددی است. وجه تمایز اساسی این پژوهش با مطالعات پیشین در آن است که افزون بر مقایسه و جمع‌بندی دیدگاه‌های پژوهشگران پیشین، برای نخستین‌بار اسناد و مدارک تاریخی دست‌اول مرتبط با این خانواده که تاکنون در دسترس پژوهشگران قرار نداشته‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. اهمیت این موضوع از آن رو دوچندان است که نگارنده این پژوهش از نوادگان نجفعلی نقاش‌باشی است و اسناد یادشده برای نخستین بار از مجموعه اسناد و اطلاعات خانوادگی وی منتشر می‌شوند.

آقا نجفعلی اصفهانی

آقا نجفعلی نقاش‌باشی اصفهانی، مشهور به «آقا نجف» که به سبب شیوه ترقیم خاص آثارش با عبارت «یا شاه نجف» نیز شناخته می‌شود، از هنرمندان برجسته نقاشی لاک، نگارگری، خوشنویسی، تذهیب (پاکباز، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۱) و کتاب‌آرایی (شین دشتگل، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۲) دوره قاجار است.

آقا نجفعلی اصفهانی در عرصه هنرهای سنتی ایران موجب شده است که در بیشتر پژوهش‌های مهم و بنیادین درباره هنر دوره قاجار، به‌ویژه هنر لاک، به‌صورت کلی یا اختصاصی به شرح احوال و آثار هنرمندان این خاندان پرداخته شود. به‌طور خاص، در زمینه تبارشناسی این خانواده هنری، طی حدود شش دهه پیش گذشته، پژوهش‌هایی انجام شده است که برای درک سیر تاریخی این مطالعات، به ترتیب زمانی از متقدم به متأخر و به‌اختصار معرفی می‌شوند. در نخستین پژوهش، سپهرم (۱۳۴۱) در کتابی با عنوان تاریخ برگزیدگان و عده‌ای از مشاهیر ایران و عرب، در مدخل مربوط به آقا نجف اصفهانی، برای نخستین‌بار دیدگاهی در باره تبار نجفعلی ارائه کرد. وی سپس مطالب این مدخل را در مقاله «آقا نجف اصفهانی قلمدان‌سان» (سپهرم، ۱۳۴۴) دوباره به‌صورت مستقل منتشر ساخت. این دو اثر را می‌توان نخستین پژوهش‌های مرتبط با تبارشناسی نجفعلی و خاندان او دانست؛ با این حال، متأسفانه، نظرات سپهرم بر هیچ سند تاریخی مبتنا ندارد. پس از او محمدعلی کریم‌زاده تبریزی (۱۳۵۴)، در مقاله «آقا نجف علی نقاش‌باشی اصفهانی» بر مبنای قبالة‌نامه دختر آقا نجف به نام شهربانو ملقب به صفیه سلطان، نظرات سپهرم را مردود دانسته، اما درباره اجداد نجفعلی تحلیل جدیدی ارائه کرده است. کریم‌زاده تبریزی (۱۳۶۳) در کتاب سه‌جلدی احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی ضمن معرفی کامل‌تر قبالة‌نامه مذکور، شرحی از احوال و آثار هنرمندان این خاندان ذیل نام هریک از آنان به‌طور جداگانه ارائه کرد و بار دیگر بر فرضیه خود تأکید نمود. هرچند فرضیه کریم‌زاده برای نخستین‌بار بر اسناد تاریخی مبتنی بود، اما ضعف‌های جدی در شیوه استدلال و استنتاج او از متن سند و نیز بی‌توجهی به اشکالات نگارشی موجود در آن، همچنان نتایج پژوهش او را با تردید مواجه ساخته است.

خلیلی (۱۳۸۶) در کتاب کارهای لاک، فصلی ویژه را به معرفی آثار آقا نجف اختصاص داده و ضمن ارائه تصاویر آثار او، فرزندان و نوادگانش، با بررسی مجدد قبالة‌نامه دختر آقا نجف، بر مطالب کریم‌زاده صحه می‌گذارد. جامع‌ترین پژوهش مرتبط تا پیش از این، توسط آژند (۱۳۹۲) انجام‌گرفته است. وی در مقاله «کارستان هنری آقا نجف علی» بر مبنای یافته‌های کریم‌زاده تبریزی، تبار آقا نجف



تصویر ۱. قلمدان لاک‌پوش با تصویر یوحنا قديس در مدالیون مرکزی و دو قديس ديگر مسيحيت در اطراف. تلفیق ویژگی‌های مکتب ایرانی و فرنگی در این نمونه به‌خوبی مشهود است، آقا نجف اصفهانی، ۱۲۷۰ ه.ق. (خلیلی، ۱۳۸۶، ص. ۲۳۵).

Figure 1. Lacquer pen case with the image of Saint John in the central medallion and two other Christian saints surrounding him. The fusion of characteristics from the Iranian and European schools is clearly evident in this example.

Aqa Najaf Isfahani, 1853–1854 CE (Khalili, 2007, p. 235).

سرآمد نقاشان دوره خویش منصوب شده باشد. این لقب عموماً به هنرمندی اطلاق می‌شد که هنر وی از طرف دربار مورد پذیرش و تقدیر واقع شده باشد (خلیلی، ۱۳۸۶، ص. ۲۲۴).

آقا نجف در حوزه نقاشی بر هر دو شیوه فرنگی‌سازی و ایرانی‌سازی تسلط کامل داشت. وی در زمینه نقاشی لاک، بیشتر به آرایش قلمدان، قاب آینه و جعبه‌های جواهرات می‌پرداخت. از جمله صحنه‌های مورد علاقه او می‌توان به ترسیم چهره بزرگان و روحانیون مسیحی، به‌ویژه یوحنا قديس (تصویر ۱) و نیز «خانواده مقدس» اشاره کرد که با الهام از آثار هنرمندان اروپایی پدید آمده‌اند. در آثار وی، نشانه‌های آشکاری از دسترسی او به قلمدان‌های علیقلی جباردار و محمدزمان، دو هنرمند نامی دوره صفویه وجود دارد. همچنین، تابلوی بزرگ رنگ‌روغنی به سبک «پیکرنگاری درباری» از محمدشاه قاجار در حال جلوس بر تخت نیز از او موجود است. در بخش‌هایی از این اثر، اشعاری در وصف محمدشاه قاجار به خط نیکوی نستعلیق نوشته شده که نشان‌دهنده استادی نجفعلی در زمینه کتابت نستعلیق است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج. ۲، صص. ۱۳۷۸–۱۳۸۱). در نقاشی آبرنگ و سیاه‌قلم، به تبعیت از اساتیدی چون آقا صادق و میرزا بابا، چهره‌های اروپایی و مشاهیر ایرانی را به تصویر کشیده که داری حلاوتی خاص و روانی قلم است.

آقا نجف را باید «اعتلادهنده» هنر لاک در ایران دانست. زیرا هنر نقاشی روی قلمدان‌های لاک که از اواخر دوره صفویه توسط هنرمندانی چون محمدزمان پیدایش یافته و در دوره زندیه با تلاش‌های علی‌اشرف تکامل و پیشرفت نموده بود (پاکبان، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۴۸)، توسط هنرمندانی چون میرزا بابا به دوره قاجار منتقل شد. در این دوره با

سال درگذشت او توسط یکی از نوادگانش ۱۲۸۱ ه.ق و در حدود سن ۷۰ سالگی گزارش شده است (خلیلی، ۱۳۸۶، ص. ۲۲۱). بنابراین می‌توان تخمین زد که آقا نجف در حدود سال‌های ۱۲۰۵ تا ۱۲۱۰ ه.ق در اصفهان متولد شده باشد. بدون تردید آقا نجفعلی، از شاخص‌ترین هنرمندان دوره قاجار و مشهورترین نقاش لاک این عصر است. چنان‌که برخی پژوهشگران او را معروف‌ترین نقاش نیمه نخست قرن ۱۹ م (قرن ۱۳ ه.ق) در ایران دانسته‌اند (خلیلی، ۱۳۸۶). جایگاه رفیع هنری و اجتماعی او در زمان حیاتش تا جایی بود که او را «مانی ثانی» لقب داده بودند (ادیب برومند، ۱۳۷۶، ص. ۲۳۱). آقا نجف، نقاشی ذوفنون بود که در همه شاخه‌های هنر نقاشی، نقش‌آفرینی و استعداد و ابتکار بی‌نظیر خود را عیان نموده است. وی در کار خود از آثار اساتید و هنرمندان پیشین الهام می‌جست و در ابتدای کار از محضر اساتید مطرح روزگار خویش، بهره می‌برد (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج. ۲، صص. ۱۳۶۸–۱۳۶۹).

به گفته بنجامین (۱۳۶۳/۱۸۸۷، ص. ۲۴۹)، اولین سفیر آمریکا در ایران که در سال ۱۸۸۲ م به ایران وارد شد، در بازار تهران با یکی از شاگردان آقا نجف به نام محمدتقی مواجهه یافته و به نقل از این شاگرد، نجفعلی خود را شاگرد آقا صادق، نقاش مشهور لاک اواخر دوره زندیه معرفی می‌نموده است. با توجه به اقتباس آقا نجف در سبک و موضوع کار از آقا صادق، این گزارش تاریخی معقول به نظر می‌رسد. از آقا نجف بین سال‌های ۱۲۲۷ تا ۱۲۷۴ ه.ق آثاری مشاهده شده که نشان‌دهنده نزدیک به پنجاه سال فعالیت هنری او است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج. ۲، ص. ۱۳۷۷). به نظر می‌رسد آقا نجفعلی در دوره سلطنت محمدشاه قاجار به لقب نقاش‌باشی، یعنی

۱. مقصود از صحنه‌های مرتبط با «خانواده مقدس»، ترسیم صحنه‌هایی از زندگی مریم مقیس (س)، حضرت عیسی مسیح (ع) و زکریا (ع) (و در مواردی یوسف نجار) است.



تصویر ۲. عبدالحسین صنایع همایون در حدود سال ۱۳۰۰ ه. ش.^۱
Figure 2. Abdolhossein Sani' -e Homayoun, circa 1921 CE².

تلاش‌ها و ابداعات آقا نجفعلی و سپس استمرار این اقدامات توسط فرزندان او، هنر لاک‌ی به اوج رسید (عدل، ۱۳۷۹، ص. ۹۴). به تعبیر رایینسون، پیشرفت و به اوج رسیدن هنرهای نقاشی لاک‌ی و میناکاری در میانه قرن ۱۹م تا حد زیادی مدیون این خانواده اصفهانی است (Robinson, 1967, p.1). بنابراین، شناخت و ادراک صحیح تاریخی از پیشینه، تبار و انساب این خانواده حائز اهمیت پژوهشی و تاریخ هنری است.

خاندان هنری آقا نجف

چنان‌که اشاره شد، نجفعلی نقاش‌باشی خود از معاریف و مشاهیر هنری روزگار خویش و عضوی از یک خاندان هنری برجسته بود. گستردگی شهرت این هنرمند موجب شده است که این خانواده به‌عنوان «خاندان آقا نجفعلی اصفهانی» شناخته شود. افزون بر شخص آقا نجف، هنرمندان شاخص دیگری نیز در حوزه هنرهای سنتی ایران، به‌ویژه نقاشی لاک‌ی، نگارگری، میناکاری و تذهیب، از دوره قاجار تا روزگار معاصر در این خاندان ظهور کرده‌اند که در ادامه به مهم‌ترین آنان اشاره می‌شود.

در نسل بعدی این خانواده (پس از آقا نجف)، سه فرزند ذکور وی، یعنی آقا محمدکاظم نقاش‌باشی، آقا محمدجعفر و آقا احمد، هر سه از هنرمندان سرشناس نقاشی لاک‌ی و میناکاری در اواسط دوره قاجار بودند و هر یک اساتید مبرز و سرآمدان نقاشی دوره خود به‌شمار می‌آمدند؛ «چنان‌که گویی در پدید آوردن آثار عالی با هم کوس رقابت می‌زدند» (ادیب برومند، ۱۳۷۶، ص. ۲۳۱). آقا محمدکاظم، هنرمند نقاش دوره ناصرالدین‌شاه، با نام‌های «کاظم»، «آقا کاظم» و «محمدکاظم» نیز شناخته می‌شود (سرمدی، ۱۳۸۰، ص. ۷۷۰). او فرزند ارشد آقا نجفعلی بود که به‌تمامی، وارث میراث هنری پدر خویش بوده و در فنون مختلف نقاشی از جمله گل و بوته‌سازی، چهره‌سازی و منظره‌پردازی، توانمندی بالایی داشته است (ادیب برومند، ۱۳۷۶، ص. ۲۳۱). وی پس از پدر به سمت «نقاش‌باشی کل اصفهان» مفتخر شد (صنایع زاده، ۱۳۸۳، صص. ۳۷۴-۳۸۱). همچنین، او از اساتید میناکاری اواخر قرن ۱۳ ه. ق به‌شمار می‌آمد (آژند، ۱۳۸۶، ص. ۷۵) تا آنجا که گفته شده، محمدکاظم آخرین استاد نقاشی مینایی در دوره قاجار بوده است (Pinder-Wilson, 1969, p. 189).

آقا محمدجعفر، دیگر فرزند آقا نجفعلی است که با نام «جعفر بن نجفعلی» نیز شهرت دارد. او از اساتید نقاشی و قلمدان‌نگاری دوره قاجار بود (سرمدی، ۱۳۸۰، ص. ۶۵۷). محمدجعفر در زمینه نقاشی لاک‌ی، نگارگری و میناکاری صاحب توانایی بالایی بود و آثار نفیسی از وی موجود است. او در شیوه کار بیشتر به فرنگی‌سازی متمایل بود (ادیب برومند، ۱۳۷۶، ص. ۲۳۲). قاب آینه‌ای از آثار او در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن موجود است که در وجه داخلی آن به نحوه زیبایی، شمایل حضرت امیرالمؤمنین (ع) ترسیم شده است. احمد بن نجفعلی -سومین فرزند ذکور آقا نجف- یکی از اساتید کم‌نظیر و برجسته‌ترین نقاشان قلمدان عهد ناصرالدین‌شاه است که بر بسیاری از استادان هم‌عصر خویش برتری یافته بود؛ در ترقیم آثار گاه عبارت «فخر انبیا احمد» و گاه «کمترین احمد بن نجفعلی» را ثبت می‌نمود (ادیب برومند، ۱۳۶۶، ص. ۱۲۲). شهرت آقا احمد که بر اثر تبحر بالای وی در نقاشی حاصل شده بود، «احمد خوشگل‌ساز» بوده است. او علاوه بر نقاشی لاک‌ی، از اساتید میناکاری

۱. این عکس از آرشیو شخصی نویسنده‌گان است.

2. Photo courtesy of the authors' personal archive

و پهلوی، تفاوت نظر اساسی میان پژوهشگران وجود دارد. منشأ این اختلاف دیدگاه، نوع خاص ترقیم آثار وی است که در آن خود را «محمدعلی بن نجفعلی» معرفی می‌کرده است. بر این اساس، در برخی پژوهش‌ها به اشتباه وی را فرزند آقا نجفعلی و چهارمین پسر وی شناسایی نموده‌اند^۱ (آژند، ۱۳۹۲؛ کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۵۴). نجف‌پور نقاشی گل و مرغ را زیبا و خوش‌حالت می‌ساخت و در چهره‌سازی و منظره‌پردازی نیز توانمند بود. در نقاشی‌های رنگ‌روغنی که اغلب مجالس بزمی، رزمی و تاریخی بود، ابتکار و دقت نظر خاصی داشت و صحنه‌ها را با ابهت ترسیم می‌نمود (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج. ۲، ص. ۹۱۶).

در دوره معاصر، شناخته شده‌ترین هنرمند این خانواده، استاد شکرالله صنیع‌زاده (۱۲۸۵-۱۳۶۲ ه.ش در اصفهان)، احیاگر و اعتلادهنده هنر میناکاری دوره معاصر ایران است (تصویر ۳). والدینش عبدالمحمود غفاریان و خدیجه نجف‌پور (تنها فرزند صنیع-همایون) بودند. او نخستین آموزه‌های هنری را در محضر صنیع‌همایون در دوره نوجوانی فراگرفت. صنیع‌زاده از هنرمندان سرشناس نگارگری، نقاشی گل‌ومرغ، تذهیب و منظره‌پردازی دوره معاصر است که عمده شهرت وی به سبب تلاش‌های او در زمینه هنر میناکاری بازمی‌گردد. (صنیع‌زاده، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۷). احیا و توسعه هنر میناکاری در دوره معاصر توسط او از حدود سال ۱۳۱۰ ه.ش آغاز (گلدک، ۱۳۵۵، ص. ۱۲۳) و تا میانه دهه ۱۳۵۰ ه.ش به اوج رسید. نمایشگاه و کارگاه هنری وی با نام «نگارستان صنیع‌زاده» از معتبرترین مراکز تولید آثار هنری و صنایع‌دستی در اصفهان به شمار می‌آمد. وی دارای پنج فرزند پسر و دو فرزند دختر بود که فرزندان ذکور وی در زمینه هنرهای سنتی از شاگردان پدر محسوب می‌شدند. از جمله آنان می‌توان به حیدر صنیع‌زاده (متولد ۱۳۴۰ ه.ش)، کوچک‌ترین فرزند وی، اشاره کرد که هنرمند نقاش و مدرس رشته هنر در دانشگاه^۲ است.

تبارشناسی خاندان آقا نجف در آرای پژوهشگران
بر اساس آنچه تاکنون بیان شد، جدای از جایگاه ممتاز هنری آقا نجف، دلیلی که سبب رجحان محسوس وی بر اکثر هنرمندان معاصرش می‌شود، در این نکته نهفته که وی عضو سرشناس و برجسته یکی از مهم‌ترین خاندان‌های هنری ایران



تصویر ۳. شکرالله صنیع‌زاده حین تکمیل اثر نگارگری در «نگارستان صنیع‌زاده»، حدود سال ۱۳۴۲ ه.ش.

Figure 3. Shokrollah Saniezadeh while completing a miniature painting at the "Saniezadeh Gallery," circa 1963 CE.

اواخر دوره قاجار به شمار می‌آمد (ادیب برومند، ۱۳۷۶، ص. ۲۳۲).

در نسل سوم این خاندان نیز هنرمندانی چون میرزا عبدالحسین‌خان صنیع‌همایون و محمدعلی نجف‌پور ظهور کردند. میرزا عبدالحسین‌خان نقاش، ملقب به «صنیع‌همایون»، فرزند ارشد آقا محمدکاظم و نوه آقا نجفعلی، از هنرمندان شهیر قلمدان‌نگاری در اواخر دوره قاجار بود. وی در قلمدان‌نگاری از اساتید پرکار و مبرز بود که در چهره‌نگاری و منظره‌پردازی از بالاترین درجه مهارت برخوردار گردیده بود (ادیب برومند، ۱۳۷۶، ص. ۲۳۲). صنیع‌همایون هنرمندی ذوفنون بود که در عرصه‌های مختلف نقاشی قلمی توانمند داشت. آثار وی متمایل به مکتب فرنگی‌سازی بوده است (پاکبان، ۱۳۹۹، ص. ۹۵۴). او در سال ۱۳۱۳ ه.ق لقب مخصوص «صنیع‌همایون» را از مظفرالدین‌شاه قاجار دریافت و سرانجام در ۱۲ محرم ۱۳۴۱ ه.ق در اصفهان متوفی گشت (خلیلیان، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۱) (تصویر ۲).

میرزا محمدعلی نجف‌پور، فرزند محمدجعفر و نوه نجفعلی است. درباره هویت این هنرمند دوره قاجار

۱. درباره هویت و شرح زیسته این هنرمند کمتر شناخته‌شده، پژوهشی مستقل توسط نگارندگان در حال تکمیل است که در آن بر مبنای اسناد تاریخی دست‌اول، اشتباهات پژوهشی پیشین در مورد نسبت او با نجفعلی به‌کلی تصحیح شده است.

۲. نگارنده نخست مقاله، فرزند این هنرمند (حیدر صنیع‌زاده) است.

است: «آقا نجف اصفهانی، فرزند آقا بابا نقاش، قلمدان ساز معروف دوره قاجاریه، در شهر اصفهان متولد شده است...» (سپهرم، ۱۳۴۱، صص. ۵۲۴-۵۲۵). آنچه از این گزارش برمی آید، آن است که سپهرم، بدون ارائه هیچ گونه مدرکی، اما به صورت قاطع و برای نخستین بار، فردی به نام آقا بابا نقاش را به عنوان پدر آقا نجف معرفی کرده و همچنین از رابطه برادری میان او و محمداسماعیل سخن گفته است. سپهرم (۱۳۴۴) سه سال بعد، در مقاله ای با عنوان «آقا نجف اصفهانی قلمدان ساز»، بخش های مربوط به آقا نجف را که پیشتر در کتاب یاد شده اش منتشر کرده بود، بار دیگر به چاپ رساند. از این رو، می توان سپهرم را بنیان گذار نظریه پردازی درباره ریشه های تاریخی خاندان آقا نجف دانست. با این حال، وی هیچ گونه اطلاعاتی درباره هویت یا پیشینه حرفه ای آقا بابا نقاش ارائه نکرده است.

● عبدالعلی ادیب برومند در کتاب خود با عنوان هنر قلمدان (ادیب برومند، ۱۳۶۶)، سرفصل های مجزایی به معرفی آقا نجف، محمداسماعیل و فرزندان آنان اختصاص داده است. وی درباره آقا نجف می نویسد: «[او] سردودمان خانواده ای هنرمند و تربیت کننده فرزندان لایق و مبرز است که هر یک با نبوغ هنری خود آثار شگفت انگیزی در عالم نقاشی به ظهور رسانده اند» (ادیب برومند، ۱۳۶۶، ص. ۱۱۷). بنابراین، ادیب برومند (۱۳۶۶) از شناسایی پدر آقا نجف ناتوان مانده، شخص نجفعلی را سرسلسله خانواده معرفی می کند. او همچنین در مقاله ای با عنوان «دو هنرمند نقاش و چند خاندان هنرمند اصفهانی»، سرفصلی مجزا به معرفی خاندان آقا نجف اختصاص داده و محمداسماعیل را برادر نجفعلی معرفی می نماید (ادیب برومند، ۱۳۶۶، صص. ۲۳۱-۲۳۲). انتساب رابطه برادری میان نجفعلی و محمداسماعیل موجب می شود که ادیب برومند نیز در زمره پژوهشگران گروه اول قرار گیرد.

● لیلا دیبا در کتاب هنرهای ایران، آقا نجف را فرزند آقا بابا نقاش معرفی کرده است. به نظر می رسد وی، این مطلب را از کتاب یا مقاله سپهرم اقتباس کرده باشد (فریه، ۱۳۷۴، ص. ۲۸۳).

● مریم اختیار در کتاب نقاشی های سلطنتی ایران در عصر قاجار معتقد است که پدر نجفعلی و محمداسماعیل، فردی به نام آقا بابا بوده است (دیبا و اختیار، ۱۴۰۱، ص. ۷۲).

● بی. دابلیو رایبسون^۱ در مقاله «نقاشی لاکه ایرانی

است. خانواده ای که بیشترین سهم را در پیشرفت هنر لاکه دوره قاجار، این خاندان هنری داشته است (اسکیرس، ۱۳۹۹، ص. ۹۳). علاوه بر نقاشی لاکه، ده ها اثر ممتاز و نفیس در زمینه های هنری دیگر از هنرمندان این خاندان برجای مانده که زینت بخش موزه های داخلی و خارجی است. نکته دیگری که سبب اهمیت مضاعف این خاندان هنری شده، استمرار آفرینشگری هنری در این خانواده تا دوره معاصر است که مستلزم پرورش چندین نسل پیاپی از هنرمندان پیشگام و صاحب سبک بوده است. دلایل فوق سبب شده تا هنرپژوهان و هنرشناسان به پژوهش و مطالعه درباره آقا نجفعلی اصفهانی و خاندان هنری او علاقه مند باشند. بنابراین تاکنون درباره تاریخ پیدایش و فعالیت های هنری این خانواده محققان معتبری پژوهش و مطالعه کرده اند. اما برخی اشتباهات پژوهشی و همچنین فقدان دسترسی به اسناد تاریخی این خانواده سبب شده که نتایج متضاد و متناقض حاصل شود. تمامی این دیدگاه های پراکنده را با اغماض می توان در ذیل دو دیدگاه کلی جمع کرد. در اینجا، به اختصار مهم ترین نظرات پژوهشگران در ذیل این دو دیدگاه ارائه خواهد شد.

دیدگاه نخست

بر مبنای دیدگاه اول، آقا نجفعلی اصفهانی فرزند هنرمندی به نام آقا بابا نقاش یا میرزا بابا نقاش باشی بوده است. در این راستا برادر کچتر آقا نجف، محمداسماعیل نقاش باشی، از اساتید تراز اول نقاشی لاکه دوره قاجار و معاصر آقا نجف است. این دیدگاه نسبت به دیدگاه دوم قدمت بیشتری دارد و برای نخستین بار توسط پژوهشگران دوره پهلوی دوم و در دهه ۱۳۴۰ ه.ش ارائه شد. مشکل عمده این دیدگاه آن است که هیچ کدام از این پژوهشگران برای اثبات نظرات خود دلیل و سندی ارائه نکردند. همچنین درباره هویت هنرمندی که به عنوان پدر نجفعلی شناسایی نموده اند، اطلاعات بیشتری ارائه نکرده اند. به نظر می رسد مبنای این گروه از پژوهشگران، شهرت این موضوع در نزد هنرمندان و هنرشناسان آن دوره یا ناشی از ارتباط با نوادگان آقا نجف بوده باشد.

● نخستین پژوهشگری که درباره اجداد و خانواده آقا نجفعلی دست به مطالعه زد، امیرمسعود سپهرم است. وی در سال ۱۳۴۱ ه.ش در این باره نوشته

اولین نقاش‌باشی دربار قاجار بوده است، با این حال، وی هیچ دلیل مستندی برای انطباق این دو نام بر یک شخص ارائه نکرده است

همان‌گونه که مشهود است، علاوه بر فقدان اتکا بر اسناد تاریخی، این گروه از پژوهشگران نتوانسته‌اند هویت آقا بابا نقاش را به‌طور دقیق تعیین کنند. حتی پژوهشگرانی که وی را همان میرزا بابا معروف دانسته‌اند، این تطبیق را بدون استناد به مدارک متقن و صرفاً بر مبنای شباهت اسمی انجام داده‌اند.

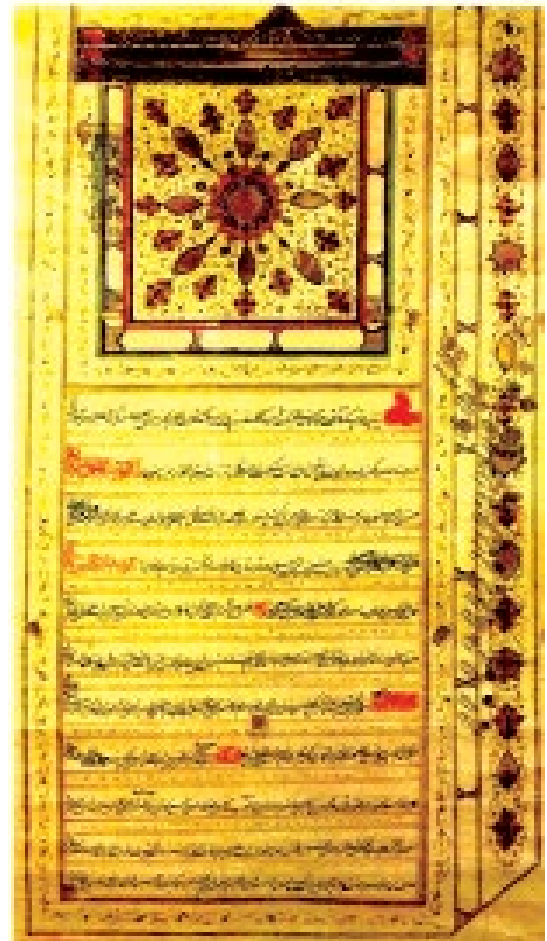
دیدگاه دوم

دیدگاه دوم سال‌ها پس از نظریه نخست و بر مبنای کشف و خوانش یک سند تاریخی مرتبط با آقا نجف و خویشاوندان وی شکل گرفت. اصل مشترک میان تمام پژوهشگرانی که قائل به این دیدگاه هستند، نفی وجود رابطه برادری میان نجفعلی و محمداسماعیل است. این پژوهشگران محمداسماعیل را فرزند آقا بابا نقاش یا میرزا بابا نقاش‌باشی دانسته‌اند. گروهی از آنان در شناسایی پدر و اجداد آقا نجف ناتوان مانده، صرفاً نظریه نخست را مردود دانستند؛ اما گروهی نیز پا را یک گام فراتر نهاده، سلسله انساب معینی برای آقا نجف تشخیص داده‌اند. عمده پژوهش‌های سال‌های اخیر معطوف به نظریه دوم بوده و این نظریه جدیدترین یافته پژوهشی در این باره به شمار می‌آید.

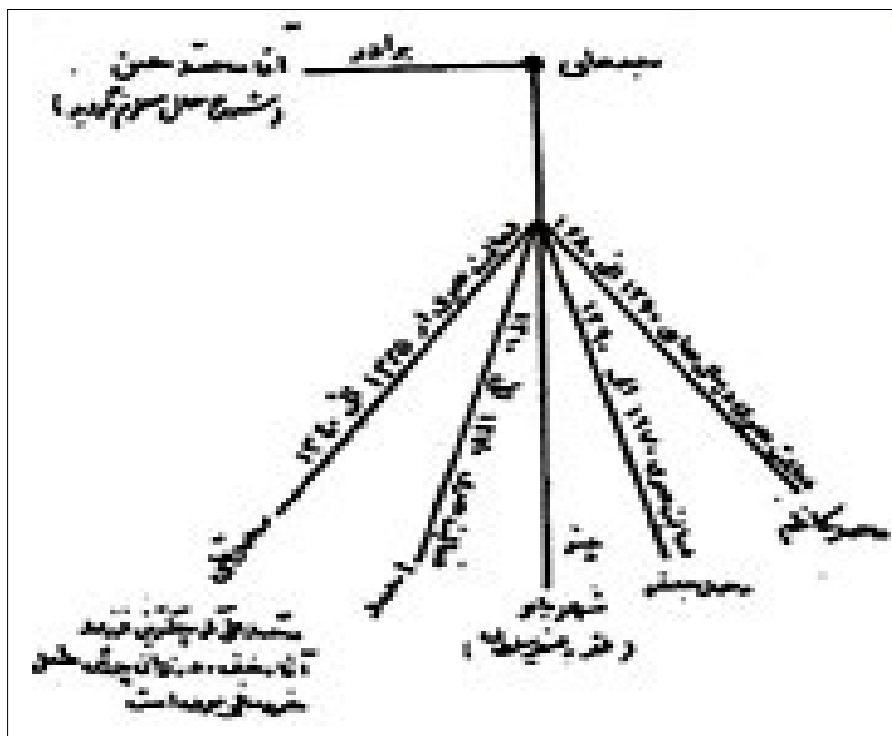
● نخستین کسی که دیدگاه سپهرم و همفکرانش را مردود شمرد، محمدعلی کریمزاده تبریزی، مجموعه‌دار و پژوهشگر ایرانی بود. کریمزاده تبریزی (۱۳۵۴) بر مبنای یک سند تاریخی موجود در مجموعه شخصی که بدان دسترسی داشت، فرضیه‌ای جدید ارائه و این مطلب را در مقاله‌ای با عنوان «آقا نجف علی نقاش‌باشی اصفهانی» منتشر کرد. سند مورد اشاره، قباله‌نامه ازدواج «شهربانو» ملقب به «صفیه سلطان» دختر آقا نجفعلی با آقا ابوالحسن فرزند مرحوم فضل‌علی نقاش به سال ۱۲۷۱ ه.ق است (تصویر ۴). اهمیت این قباله در این بود که برای نخستین بار سند دست اولی از خانواده آقا نجف منتشر می‌شد (کریمزاده تبریزی، ۱۳۵۴، صص. ۸۸-۸۹). عمده اطلاعاتی که از این سند استخراج شده مربوط به قسمت توقیع شاهدان ازدواج است که نام، نسبت و سجع مهر آنان راهگشای کشف برخی مسائل است. از جمله شهود حائز اهمیت در این قباله می‌توان از اسامی ذیل یاد

در موزه تاریخی برن^۲، تصریح دارد که آقا نجفعلی فرزند آقا بابا نقاش اصفهانی بوده و محمداسماعیل نقاش‌باشی نیز برادر کوچک‌تر وی به شمار می‌آمده است (Robinson, 1970, p. 48).

● احسانی در کتاب جلد‌ها و قلمدان‌های ایرانی و نگارگری (۱۳۸۲، ص. ۱۹) می‌نویسد: «پدر محمداسماعیل، میرزا بابا، نقاش معروف صدر قاجار بود». او در بخش دیگری از همان کتاب اظهار می‌دارد: «اسلاف اسماعیل نیز در حرفه نقاشی و هنر لاک‌کاری استادانی بی‌بدیل بودند ... محمداسماعیل، فرزند آقا بابا و برادر جوان‌تر نگارگر مشهور، نجفعلی اصفهانی است» (احسانی، ۱۳۸۲، ص. ۲۹). از این عبارات چنین برمی‌آید که احسانی، آقا بابا نقاش همان میرزا بابای نقاش‌باشی،



تصویر ۴. قباله‌نامه ازدواج شهربانو (دختر آقا نجفعلی)، مجموعه شخصی کریمزاده تبریزی (خلیلی، ۱۳۸۶، ص. ۲۲۲).
Figure 4. Marriage contract of Shahrbanu (daughter of Aqa Najaf Ali), Karimzadeh Tabrizi private collection (Khalili, 2007, p. 222).



تصویر ۵. شجره‌نامه ترسیم‌شده توسط کریم‌زاده تبریزی (۱۳۵۴، صص. ۹۰-۹۲).
Figure 5. Family tree drawn by Karimzadeh Tabrizi (1975, pp. 90-92).

کرد:

- آقا محمد اسماعیل ولد مرحوم آقا بابا نقاش.
کریم‌زاده تبریزی چنین استنباط کرده است که آقا محمد اسماعیل فرزند میرزا بابا (نقاش مشهور صدر قاجار) یا میرزا بابا الحسینی امامی (نگارگر اصفهانی و از معاصران آقا نجف) بوده است. با توجه به این‌که در این قبالة‌نامه، نام پدر آقا نجف ذکر نشده و همچنین اشاره‌ای به نسبت محمد اسماعیل با عروس یا خود آقا نجف وجود ندارد، کریم‌زاده در وجود نسبت برادری میان آقا نجفعلی و محمد اسماعیل تردید کرده است. وی در پایان مقاله، شجره‌نامه‌ای از خانواده آقا نجف ارائه می‌کند و در آن چهار فرزند پسر و یک فرزند دختر برای آقا نجف بر می‌شمارد؛ این در حالی است که در قبالة‌نامه مزبور تنها نام دو فرزند ذکور آقا نجف وجود دارد (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۵۴، صص. ۹۰-۹۲) (تصویر ۵).

- عالی‌شان رفیع جایگاه آقا نجفعلی نقاش‌پاشی والد مسماء مزبوره. با سجع مهر «نجفعلی» (پدر عروس)
- عالی‌شان رفیع مکان آقا محمد حسن عم مسماء مزبوره. با سجع مهر «گل بوستان محمد حسن» (عموی عروس).
- عالی‌شان آقا محمد کاظم ولد ارجمند عالی‌جاه آقا نجفعلی آخ مسماء مزبوره. با سجع مهر «عبده محمد کاظم» (برادر بزرگ عروس).
- عالی‌شان آقا محمد جعفر اخ دیگر مسماء مزبوره. با سجع مهر به خط طغری «عبده الراجی محمد جعفر» (دیگر برادر عروس).
بنا بر فهرست شهود، برای نخستین بار برادر آقا نجفعلی یعنی محمد حسن شناسایی شده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۵۴، ص. ۹۰). همچنین نام چند نفر دیگر با عنوان نقاش در گروه شهود وجود دارد که قابل توجه است:

• کریم‌زاده سال‌ها بعد در مجموعه سه‌جلدی احوال و آثار نقاشان قدیم ایران (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳) مجدداً بر مبنای قبالة‌نامه یادشده، بر نظریه خود

- آقا حیدرعلی ولد مرحوم آقا محمد اسماعیل با سجع مهر «علی بن اسمعیل».



منتشر شده در دائرهالمعارف اخیرالذکر، چنین می‌نگارد: «در گذشته آقا نجف را فرزند آقا بابا نقاش و برادر بزرگتر اسماعیل نقاش می‌انگاشتند، اما بنا بر قبالة ازدواج شهربانو، ملقب به صفیه سلطان، دختر آقا نجف، ... این باور نادرست بوده است» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج. ۴، ذیل مدخل آقا نجف اصفهانی).

● خلیلی (۱۳۸۶) در کتاب کارهای لاک، ضمن بازنشر تصویر قبالة نامۀ دختر آقا نجف، شرح مفصلی از متن و ویژگی‌های این سند تاریخی ارائه می‌کند. خلیلی شاهدان سند را در چهار گروه طبقه‌بندی می‌کند: طبقه اول مربوط به افرادی با مقام که مراسم قانونی را هدایت کرده و تأییدیه خود را در قسمت بالای متن نگاشته‌اند. افزون بر آنها، شخصی که ظاهراً مسئولیت کتابت سند را بر عهده داشته نیز، حضور داشته است. دستۀ دوم، چهار نفری هستند که نام‌شان در متن قید شده و عبارت‌اند از: نجفعلی، دختر نجفعلی، داماد و پدر داماد. گروه سوم مشتمل بر نجفعلی و سه تن از مردان خانواده هستند که محمدکاظم و محمدجعفر برادران عروس و محمدحسن عموی عروس بودند (تصویر ۶). گروه چهارم سایر شاهدین و ۱۷ نفر هستند. این گروه، آشنایان و همکاران دو خانواده به شمار می‌آمده‌اند (خلیلی، ۱۳۸۶، ص. ۲۲۳). نام محمداسماعیل ولد مرحوم آقا بابا نقاش و آقا حیدرعلی ولد مرحوم آقا محمداسماعیل در این گروه قرار دارد. جالب اینجاست که نام محمدکاظم برادر عروس یکبار دیگر، پس از محمداسماعیل و به‌عنوان شاهد شماره ۱۳ از گروه چهار تکرار شده است.

خلیلی (۱۳۸۶، ص. ۲۲۴) باور دارد محمداسماعیل یادشده در این سند، همان محمداسماعیل نقاش معروف است که به دلیل ارتباط شغلی با نجفعلی و فرزندان، در این مراسم حضور داشته است: «پس برخلاف آنچه برخی فرض کرده‌اند محمداسماعیل و نجفعلی نسبت برادری نداشته‌اند، چراکه در فهرست شهود آمده است که (محمداسماعیل فرزند مرحوم آقا بابا نقاش) حال آن‌که در مورد محمدحسن نوشته شده (رفیع مکان آقا محمدحسن عم مسماء مزبورۀ)». خلیلی درباره استفاده از عنوان «مرحوم» پیش از نام محمداسماعیل، در قسمت مربوط به حیدرعلی ابن محمداسماعیل - درحالی‌که خود محمداسماعیل در جای دیگر این سند را تویق کرده - دو احتمال مطرح می‌کند: اول آن‌که عنوان نقاش باشی

تأکید می‌کند. وی درباره محمداسماعیل می‌نویسد: «در مورد وضع فامیلی و قرابت وی با آقا نجف ... با در دست داشتن قبالة ازدواج صفیه خانم دختر آقا نجف به سال ۱۲۷۱ هجری و درج اسامی فامیل و دوستان آقا نجف که به‌عنوان شهود، اثر مهر و امضا داشته و قرابت و نسبت فامیل آنان نیز مرقوم شده، اسمی از محمداسماعیل یا اسماعیل نقاش باشی که در حقیقت یکی از اقربای طراز اول و نزدیکان آقا نجف باید باشد قید نشده و ثبت نگشته است. تنها در ردیف اسامی شهود عادی به نام عالی‌شأن محمداسماعیل ولد مرحوم آقا بابا نقاش برمی‌خوریم که به علت اعتبار شخصی و معروفیت پدر در زمره شهود درآمده‌اند. از این ملاحظات درمی‌یابیم که صحت برادری آقا نجف و محمداسماعیل قصه‌ای بیش نبوده و تنها برادر آقا نجف، شخصی به نام محمدحسن است که نسبت آن‌ها به یکدیگر در قبالة درج گشته است. تنها اطلاع دقیقی که از وضعیت فامیلی این هنرمند به دست داریم، معلوم می‌دارد فرزند میرزا بابا نقاش نامی بوده و فرزند هنرمندی به نام حیدرعلی داشته است» (کریمزاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج. ۲، ص. ۶۷).

وی در سرفصل مربوط به آقا نجف نیز درباره محمداسماعیل می‌نویسد: «این هنرمند همان آقا محمداسماعیل نقاش باشی است ... و فرزند میرزا بابا نقاش است و چون هیچ قرابتی به آقا نجف نداشته، در ذیل گروه فامیلی آقا نجف ثبت نشده و نسبت فامیلی‌اش نیز ذکر نگشته است. در صورتی‌که اگر قرابت فامیلی داشته و عموی عروس نیز به شمار می‌آمده، می‌بایستی در کنار نام عموی دیگرش ... او را یاد[می‌نمودند]» (کریمزاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج. ۲، ص. ۱۳۷۳). بنابراین، کریمزاده به‌صراحت در اینجا نسبت خویشاوندی میان آقا نجف با محمداسماعیل و پدرش آقا بابا را نفی می‌کند.

● یحیی زکاء در مقاله «اسماعیل نقاش باشی اصفهانی» مندرج در دائرهالمعارف بزرگ اسلامی، ضمن اتکا به داده‌های پژوهشی کریمزاده، معتقد است که محمداسماعیل یادشده در قبالة دختر آقا نجف، همان محمداسماعیل نقاش باشی معروف است و میان او با آقا نجف رابطه خویشاوندی وجود ندارد. زکاء، محمداسماعیل را فرزند آقا بابا نقاش معرفی می‌نماید (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج. ۸، ذیل مدخل محمد اسماعیل اصفهانی).

● مریم همایونی افشار در مقاله «آقا نجف اصفهانی»



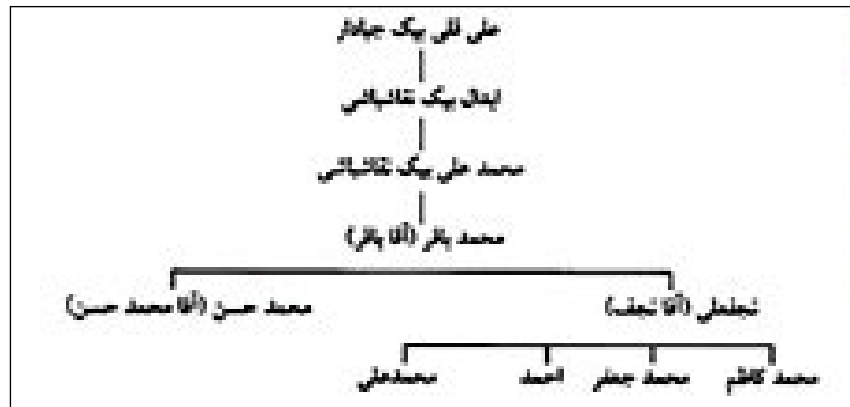
تصویر ۶. قسمت مربوط به مُهر نجفعلی (راست)، محمدحسن (اولین مُهر از سمت چپ)، محمدکاظم (دومین مُهر از چپ) و محمدجعفر (سومین مهر از چپ)، مُهر آقا نجف نیز در بالاترین قسمت سمت را به چشم می‌خورد (خلیلی، ۱۳۸۶، ص. ۲۲۳).
Figure 6. Section showing the seals of Najaf-Ali (Right), Mohammad Hassan (First seal from the left), Mohammad Kazem (Second seal from the left), and Mohammad Jafar (Third seal from the left); The seal of Aqa Najaf is also visible in the top right section (Khalili, 2007, p. 223).

● ویلم فلور^۱ در مقاله «نقاشی و نقاشان دوره قاجار در ایران» (۱۹۹۹) باور دارد که محمداسماعیل فرزند میرزا بابا نقاش بوده و این‌که در گذشته آقا نجف را فرزند میرزا بابا یا آقا بابا می‌دانستند، اشتباه بوده است (Floor, 1999, p. 128).

● در میان تمام پژوهش‌های هر دو نظریه، کامل‌ترین پژوهشی که تاکنون صورت پذیرفته توسط دکتر یعقوب آژند انجام گرفته است. وی در پژوهش‌های سالیان متمادی خود، کوشیده تا سلسله انساب دقیقی برای نجفعلی معرفی کند. وی ابتدا در مقاله‌ای با عنوان «نقاشان دوره قاجار»، آقا نجف و آقا محمداسماعیل را به‌طور جداگانه، به‌عنوان دو تن از نقاشان شهیر دوره قاجار معرفی می‌کند؛ اما در مورد وجود یا عدم وجود رابطه خویشاوندی میان آنان و همچنین اجداد مشترک احتمالی آن دو، سکوت می‌کند (آژند، ۱۳۸۶، ص. ۷۷).

آژند (۱۳۹۲) سپس در مقاله «کارستان هنری آقا نجفعلی» به استمرار آفرینش هنری در خاندان آقا نجف اصفهانی پرداخته است. اساس و بنیان دغدغه او یافتن انساب خانوادگی آقا نجف و کشف هویت پدر او بوده است. آژند (۱۳۹۲، ص. ۳۳) در این باره می‌نویسد: «مهم‌ترین نکته‌ای که در این جستار ذهن نگارنده را به خود واداشته بود، این است که آقا نجفعلی، نقاشی دربار قاجار، برخلاف تصور شماری از هنرپژوهان، برادر محمداسماعیل اصفهانی یا فرزند میرزا بابا اصفهانی نبود».

در امضای حیدرعلی متعلق به خود او باشد. احتمال دوم و قوی‌تر آن‌که واژه «مرحوم» پیش از نام پدر او، سهواً و بر اثر خطای کاتب نگاشته شده (خلیلی، ۱۳۸۶). از آنجاکه خطایی این‌چنین آشکار در نگارش کاتب به وجود آمده و خطای دیگر او تکرار دوباره نام محمدکاظم برادر عروس در دو قسمت مختلف سند است، می‌توان انتظار داشت که این سند دارای خطاهای نگارشی دیگری نیز باشد. به باور نگارندگان این پژوهش (که اسنادی که در ادامه ارائه خواهد شد مؤید آن است)، نویسنده متن قباله دچار برخی خطاها شده و محمداسماعیل که در مجلس حاضر بوده را به اشتباه «مرحوم» لقب داده است. دیگر خطای وی، عدم ذکر نام پدر آقا نجف است؛ باید توجه داشت که نام پدر آقا نجف در این سند مغفول افتاده و هیچ اشاره صریحی که نشان‌دهنده تفاوت نام پدر نجفعلی و محمداسماعیل باشد، وجود ندارد. همین مسئله نیز موجب خطاب پژوهشگران شده و نسبت برادری این دو هنرمند را نفی نکرده‌اند ● رویین پاکباز در کتاب دائره‌المعارف هنر، محمداسماعیل را به‌طور احتمالی، فرزند میرزا بابا نقاش معرفی می‌کند. همچنین در سرفصلی مجزا برای آقا نجفعلی، هیچ اشاره‌ای به رابطه خویشاوندی میان او با محمداسماعیل ندارد. از این‌رو، به نظر می‌رسد او نیز قائل به برادری این دو هنرمند نبوده است. پاکباز برای آقا نجف چهار فرزند پسر ذکر کرده است (پاکباز، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۱).



تصویر ۷. شجره‌نامه دکتر آژند از اجداد نجفعلی (آژند، ۱۳۹۱، ص. ۹۱).
Figure 7. Family tree of Najaf-Ali's ancestors by Dr. Azhand (Azhand, 2012, p. 91).

بوده است. در این راستا، دکتر آژند صرفاً بر مبنای شباهت اسمی، آقا بابا نقاش پدر محمداسماعیل را همان میرزا بابا دانسته است. آژند (۱۳۹۱، ۵۸-۶۰) در مقاله‌ای به نام احوال و آثار «محمدعلی بیک نقاش‌باشی»، محمدباقر نقاش را فرزند محمدعلی بیک نقاش می‌داند. این در حالی است که خود او به صراحت ذکر کرده هیچ سند مکتوبی در این باره وجود ندارد. در ادامه، از آنجاکه محمدعلی بیک فرزند ابدال بیک نقاش و او فرزند علی‌قلی بیک جبادار بوده، آژند سلسله‌انساب آقا نجف را تا علی‌قلی بیک ادامه می‌دهد که شرح آن در (تصویر ۷) آمده است.

● واپسین پژوهش در خصوص این خاندان هنری (تا قبل از مقاله حاضر)، توسط دکتر ایمان محمد العابد یاسین، پژوهشگر هنری در کشور مصر، در مقاله «نجف، یک خانواده هنری ایرانی» (۲۰۲۳) انجام شده است. وی با اتکا به نتایج پژوهش‌های دکتر آژند و کریم‌زاده تبریزی، هم‌رأی با آنان قائل به انتساب نجفعلی به خانواده علی‌قلی بیک جبادار و نافی برادری آقا نجف و محمد اسماعیل بوده است (Elabed Yaseen, 2022, pp. 306-331).

در پایان جمع‌بندی هر دو گروه از نظریات، می‌توان گفت که یافته‌ها و نتایج پژوهشگران گوناگون ذیل هر دو دیدگاه، با ابهامات و تناقض‌های جدی همراه است. به‌گونه‌ای که داده‌های ارائه‌شده در این دو نظریه، در تعارض کامل با یکدیگر قرار دارند و بر هریک از آن‌ها نیز ایرادهای اساسی وارد است.

وی در پژوهش خود به اطلاعات مستخرج از قبالة دختر آقا نجف اتکا کرده است. اولین نکته حائز اهمیت برای آژند (۱۳۹۲، ص. ۳۵) در این سند تاریخی، سجع مَهر محمدحسن، برادر آقا نجفعلی بوده است: نکته قابل‌ملاحظه در این اسامی، نام محمدحسن و سجع مهر اوست که به‌صورت (گل بوستان محمدحسن) ثبت شده است. مفهوم این سجع فارغ از معنای مذهبی آن، اشاره به پیوند پدر - فرزندی وی دارد، یعنی گل بوستان محمد، حسن یا (محمدحسن) است و این محمد کسی جز محمدباقر نقاش دوره زندگی و اوایل دوره قاجاریه نیست؛ زیرا از محمدباقر تصویر گلی در دست است که آن را برای فرزند خود محمدحسن کشیده است. در این تصویر رقم محمدباقر به‌قرار زیر است: «به جهت نور چشمی محمدحسن مشق شد. کمترین محمدباقر بن محمدعلی». بنابراین، دکتر آژند کوشیده از طریق مشابهت اسمی برادر آقا نجف با محمدحسن، فرزند محمدباقر نقاش (هنرمند دوره زندگی)، میان این دو رابطه خویشاوندی بیابد. به نظر می‌رسد صرف مشابهت اسمی میان این دو، برای استدلال کافی نباشد. علاوه بر آن، چنانچه نجفعلی فرزند هنرمند شهیری چون محمدباقر بود، به‌احتمال فراوان در آثار یا شرح احوال وی اثری از این موضوع دیده می‌شد. درحالی‌که تاکنون چنین چیزی به دست نیامده است. آژند درباره نسبت برادری محمداسماعیل و نجفعلی نیز معتقد است، این دو هیچ رابطه خویشاوندی نداشتند و محمداسماعیل فرزند میرزا بابا، نقاش‌باشی دربار فتحعلی‌شاه



تصویر ۸. نام و توقیع سادات اجراکننده مراسم در بالای
قباله‌نامه^۱

Figure 8. Names and signatures of the sayyids officiating
the ceremony at the top of the marriage contract²

از اوقات ماه و سال [ناخوانا] عقد مناکحه و [ناخوانا]
اسلامیه تحقق پذیرفت و جاری و واقع شد فی‌مابین
عالی‌حضرت [ناخوانا] و کمالات پناه آقا نجفعلی
خلف‌الصدق مرحمت پناه آقا محمدجعفر المدعو
باقا بابا نقاش غفرله و علیاحضرت فاطمه سیرت
حورالانسی بالغه عاقله باکره [ناخوانا] ام‌کلثوم خانم
صبیه عالی‌جناب [ناخوانا] و [ناخوانا] الکتاب ملا
محمدعلی واعظ باذن‌ها و اذن ابیها» که این بخش با
این عبارات در میانه سطر دهم پایان می‌یابد.

از میانه سطر دهم تا پایان متن، شرح صدق و
مهریه عروس آمده است که بخش‌های زیادی از
آن ناخوانا است، اما مهم‌ترین بخش آن در پایان
سطر دوازدهم چنین آمده است: «عرصه و اعیان
موازی نیم‌دانگ و ربع [تمام عرصه؟] از شش‌دانگ
یک باب خانه [...] در محله قرب [...] محله جمالکه من
محلات اصفهان [...]». در پایان سندنیز عبارت «فی
شهر ذیقعه‌الحرام سنه ۱۲۳۲» درج شده است. مهر
مخصوص آقا نجف در دو جای سندن، یکی ذیل نام
وی در سطر نهم و دیگری در پایان متن، با سجع
«عبدہ الرَّاجی نجفعلی» مشاهده می‌شود. در بخش
بالای قباله‌نامه، همانند آنچه در قباله‌نامه دختر آقا
نجف نیز دیده می‌شود، نام سه تن از سادات -که
احتمالاً در کسوت روحانیت بوده و به‌عنوان شاهد،
عاقد و اجراکننده مراسم حضور داشته‌اند- بر
اساس سجع مهرهای آنان به شرح زیر ثبت شده
است (تصویر ۸):

- عبده سیدمحمد الحسنی الحسینی.
 - عبده محمدرضا ابن عبدالواسع الحسینی.
 - ابوطالب بن محمدرضا الحسنی الحسینی.
- در سمت چپ بخش بالایی، سه تن از شاهدان

پژوهشگران گروه اول، هیچ سند و مدرک تاریخی
معتبری برای اثبات مدعیات خود، از جمله نام پدر
نجفعلی و یکسان بودن آقا بابا و میرزا بابا، ارائه
نکرده‌اند. پژوهش‌های گروه دوم نیز با وجود اتکا به
یک سند تاریخی، به سبب وجود خطای نگارشی در
متن سند -که احتمال بروز خطاهای دیگر را نیز تقویت
می‌کند- نیازمند بازبینی و تطبیق با سایر داده‌های
تاریخی است. کاستی‌های موجود در استدلال‌های
پژوهش‌های پیشین و مهم‌تر از آن، وجود سندی
تاریخی و بسیار مهم در مجموعه اسناد خانوادگی
نگارنده نخست مقاله که با آرای پژوهشگران پیشین
در تعارض است، وی را بر آن داشت تا با احتیاط
بیشتری به نتایج پژوهش پیشین بنگرد. با این حال،
باید توجه داشت که تمامی پژوهش‌های یادشده،
از نظر گشودن باب این موضوع مهم و نیز ارائه
داده‌های دست‌اول -به‌ویژه برخی اسناد همچون
قباله‌نامه شهربانو- حائز اهمیت، درخور توجه و
شایسته تقدیر هستند؛ هرچند در عین حال، نیازمند
بازنگری اساسی نیز به نظر می‌رسند. در این بخش
نگارندگان با معرفی و بررسی یک سند تاریخی
دست‌اول مربوط به آقا نجفعلی، بر آن‌اند تا به
یافته‌ای مستدل و متقن دست یابند.

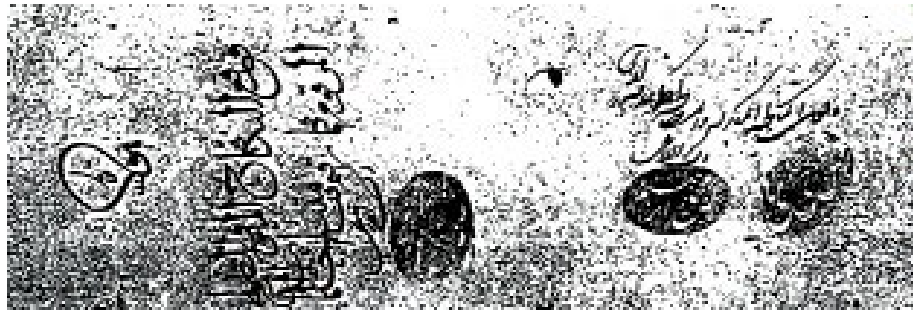
معرفی یک سند تاریخی

سند تاریخی بسیار مهمی که در مجموعه اسناد
خانوادگی شادروان استاد شکرالله صنیع زاده
موجود است و در این پژوهش برای نخستین
بار معرفی می‌شود، قباله‌نامه ازدواج آقا نجفعلی
نقاش‌پاشی در سال ۱۲۳۲ ه.ق است (تصویر ۱۱).
این سند تاریخی از یک کتیبه به خط ثلث در بالا،
دو ردیف خط با محتوای ثنای خداوند متعال به
خط ثلث در زیر آن و ۱۴ سطر (متن اصلی) به
خط شکسته‌نستعلیق تشکیل شده است. همچنین،
حاشیه‌ای مستطیل‌شکل در سمت راست سند که با
گل‌های ساده طلایی‌رنگ آراسته‌شده، محل ثبت و
توقیع شهود را شکل می‌دهد.

سه سطر آغازین متن اصلی، مشتمل بر مقدمه‌ای
در ثنای خداوند و بیان میمنت ازدواج و وصلت است.
سطر چهارم تا میانه سطر ششم در نعت پیامبر
اسلام (ص) و خاندان ایشان نگاشته شده است. پس
از آن تا میانه سطر هشتم، بار دیگر به بیان مضامین
مرتبط با قدرت خداوند پرداخته شده و سپس متن
اصلی عقدنامه آغاز می‌شود: «لهذا در بهترین وقتی

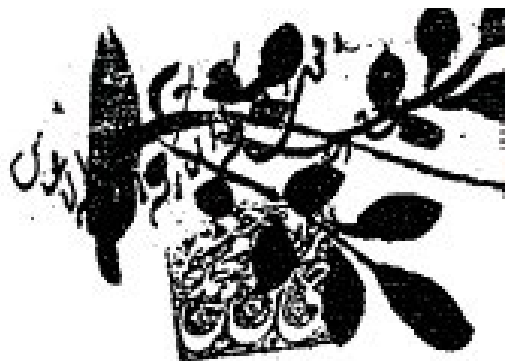
۱. این عکس از آرشیو شخصی
نویسندگان است.

2. Photo courtesy of the
authors' personal archive



تصویر ۹. توقیع شاهدان در قباله‌نامه^۱
Figure 9. Signatures of the witnesses on the marriage contract.²

- توقیع نموده‌اند که سجع مهره آنان بدین شرح است (تصویر ۹):
 - ناخوانا
 - عبده محمدابراهیم
 - عبده الراجی (...)
 - نام شاهدان گروه سوم که در حاشیة سمت راست مهر توقیع نموده‌اند و به نظر می‌رسد از دوستان و خویشاوندان عروس و داماد باشند، بر مبنای سجع مُهر، بدین شرح است:
 - عبده اسماعیل بن محمدعلی الحسینی
 - علی مع الحق و الحق مع علی
 - یا قاسم الارزاق
 - عبده الراجی محمدحسن بن محمدجعفر
 - عبده سیدمحمد الحسنی الحسینی (تکرار)
 - عبده محمدرضا ابن عبدالواسع الحسینی (تکرار)
 - ابوطالب بن محمدرضا الحسنی الحسینی (تکرار).
- این سند مهم تاریخی، حاوی اطلاعات بسیار حائز اهمیتی است که اختلاف‌نظر پژوهشگران پیشین در مسائل بنیادین و اساسی را تا حد زیادی مرتفع می‌کند:
۱. نام پدر آقا نجف، «محمدجعفر» بوده که به «آقا بابا نقاش» شهرت داشته است. بدین ترتیب، افزون بر شناسایی هویت پدر آقا نجف که با نام آقا بابا نقاش شناخته می‌شده، نام اصلی او نیز برای نخستینبار مشخص گردید. همچنین، از آنجاکه نام او در متن سند با لقب «مرحوم» آمده است، می‌توان



تصویر ۱۰. راست: سجع مُهر محمدحسن با عبارت «عبده‌الراجی محمدحسن بن محمدجعفر» در قباله‌نامه ازدواج آقا نجف^۲؛ چپ: سجع مُهر محمدحسن «گل بوستان محمدحسن» در قباله‌نامه ازدواج شهربانو (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ص. ۶۸۶).
Figure 10. Right: Seal inscription of Mohammad Hassan reading “His servant who hopes [in God], Mohammad Hassan son of Mohammad Jafar” in Aqa Najaf’s marriage contract; Left: seal inscription of Mohammad Hassan, “The flower of Mohammad Hassan’s rose garden,” in Shahrbanu’s marriage contract (Karimzadeh Tabrizi, 1984, p. 686)⁴.

۱. این عکس از آرشیو شخصی نویسندگان است.

2. Photo courtesy of the authors’ personal archive

۳. این عکس از آرشیو شخصی نویسندگان است.

4. Photo courtesy of the authors’ personal archive

با اطمینان گفت که این فرد پیش از سال ۱۲۳۲ ه.ق درگذشته بوده است.

۲. شغل پدر آقا نجف به‌صراحت، نقاشی ذکرشده است. از این رو، پیشینه این خاندان هنری به دوره‌ای پیش از آقا نجف باز می‌گردد. همچنین می‌توان احتمال داد که نخستین استاد نجفعلی، پدرش آقا بابا نقاش بوده باشد.

۳. با توجه به این‌که در قباله‌نامه دختر آقا نجف، نام پدر محمداسماعیل نیز آقا بابا نقاش ذکرشده است، می‌توان با اطمینان نتیجه گرفت که نجفعلی و محمداسماعیل برادر بوده‌اند. افزون بر این، با عنایت به این‌که سجع مهر محمداسماعیل در سند ازدواج نجفعلی دیده نمی‌شود، دلیل دیگری است که نجفعلی بزرگ‌تر از محمد اسماعیل بوده باشد.

۴. نام یکی از شهود بر مبنای سجع مهر او، «محمدحسن ابن محمدجعفر» است (تصویر ۱۰). به احتمال زیاد، این فرد همان محمدحسن برادر نجفعلی، از شهود ازدواج شهربانو نیز بوده است. با توجه به احترام بالایی که در متن قباله‌نامه دختر آقا نجف برای او در نظر گرفته‌شده و نیز با عنایت به این‌که قباله‌نامه خود آقا نجف را هم مهر کرده است، به‌یقین محمدحسن فرزند بزرگ‌تر این خانواده بوده است.

۵. سادگی مفرط این سند تاریخی در کنار تعداد کم شهود و عدم ذکر شغل نقاش یا سمت نقاش‌باشی برای نجفعلی، نشان‌دهنده آن است که این سند در ابتدای کار هنری وی نگاشته شده و هنوز شهرت نجفعلی به‌اندازه سال‌های پایانی عمرش نبوده است. ۶. یکی از شهود، «محمدابراهیم» نام داشته که سجع مهر خود را در قسمت بالایی سند ثبت کرده است. این احتمال وجود دارد که «محمدقاسم نقاش ولد مرحوم آقا محمدابراهیم» -که از جمله شهود قباله‌نامه دختر آقا نجف بوده است- فرزند همین شخص باشد. با توجه به جایگاه مهر محمدابراهیم در این سند و مهر فرزندش در قباله‌نامه شهربانو، احتمال می‌رود این دو فرد، افزون بر همکاری هنری با خاندان آقا نجف، با ایشان دارای نسبت خانوادگی نیز بوده باشند؛ هرچند چگونگی آن بر ما روشن نیست. همچنین، بر اساس سجع مهر یکی دیگر از شهود سند ازدواج نجفعلی، نام وی «قاسم» بوده است و این احتمال وجود دارد که همان محمدقاسم، فرزند محمدابراهیم باشد.

۷. در متن سند ازدواج، محل سکونت آقا نجف

به‌صراحت محله «جمالکله» اصفهان ذکرشده است. بنابراین، به‌طور حتم او ساکن اصفهان بوده و بر این مبنا اصالت خانواده وی نیز اصفهانی بوده است. ۸. بر مبنای شواهدی که پیش‌تر بدان اشاره شد و با در نظر گرفتن زمان تقریبی تولد آقا نجف در فاصله سال‌های ۱۲۰۵ تا ۱۲۱۰ ه.ق، وی هنگام ازدواج در سال ۱۲۳۲ ه.ق بین ۲۲ تا ۲۷ سال سن داشته است. بنابراین، می‌توان سن او را در زمان ازدواج به‌طور میانگین حدود ۲۵ سال برآورد کرد.

۹. در این سند، برای نخستین بار نام همسر نجفعلی، یعنی «ام‌کلثوم خانم» و نام پدر وی «ملا محمدعلی واعظ»، شناسایی شد. بدین ترتیب، مشخص گردید که آقا نجفعلی با خانواده‌ای روحانی و اهل علم وصلت کرده بوده است.

۱۱. قباله‌نامه ازدواج آقا نجفعلی و ام‌کلثوم خانم، ۱۲۳۲ ه.ق. به دلیل ویژگی‌های رنگی سند، برای نمایش بهتر اجزای قباله‌نامه و خوانا‌تر شدن خطوط، کلبه تصاویر این سند به‌صورت سیاه‌وسفید قرار گرفته است.

شناسایی و معرفی پایه‌گذاران خاندان هنری آقا نجف

اکنون، پس از معرفی و بررسی سند ازدواج نجفعلی که در آن به‌صراحت بر نام و لقب پدر وی تأکید شده است، مشخص شد که بسیاری از پژوهشگران پیشین (به‌ویژه گروه دوم) در تشخیص هویت پدر نجفعلی دچار خطای علمی و پژوهشی شده‌اند؛ با این حال، هویت دقیق آقا بابا نقاش همچنان ناشناخته است. بنابراین، ضروری است با اتکا به مجموع اطلاعات و اسناد تاریخی ارائه‌شده، نظریه‌ای جدید برای تبیین ریشه‌های تاریخی این خاندان هنری مطرح شود.

بر اساس متن صریح قباله‌نامه ازدواج نجفعلی، پدر وی به حرفه نقاشی اشتغال داشته است. از آنجاکه هدف اصلی این پژوهش، شناسایی تاریخ ظهور این خاندان هنری است، در گام نخست باید هویت آقا بابا نقاش یا همان محمدجعفر نقاش روشن شود. در این راستا و بر مبنای متن سند ازدواج نجفعلی، می‌توان با دو کلیدواژه «آقا بابا» و «محمدجعفر» در میان هنرمندان آن دوران، جست‌وجویی انجام داد. ابتدا هنرمندانی که در آن سال‌ها نام یا لقبی مشابه آقا بابا داشته‌اند، بررسی می‌شوند:

● میرزا بابا نقاش‌باشی: بی‌تردید مشهورترین شخصی که در وهله نخست به ذهن متبادر

۱. محله «جمالکله»، از محلات بسیار قدیمی اصفهان است که در نزدیکی امام‌زاده «درب امام» و امروز میان دو خیابان «کمال» و «عبدالرزاق» اصفهان قرار دارد.

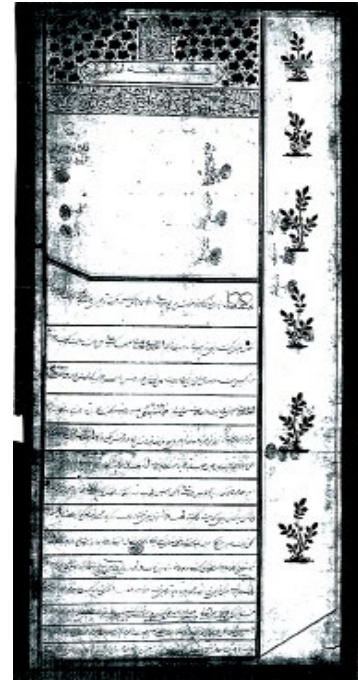
صحیفه سجادیه است که امضای میرزا بابا و سال ۱۲۴۱ ه.ق را دارد (آتابای، ۱۳۵۲، ص. ۷۷۵). بنابراین از آنجاکه آثار رقم‌دار این هنرمند تا سال ۱۲۴۱ ه.ق شناسایی شده (درحالی‌که پدر آقا نجف پیش از سال ۱۲۳۲ از دنیا رفته)، این فرد برخلاف تصور پژوهشگران پیشین، نسبت خویشاوندی با خاندان آقا نجف و محمد اسماعیل ندارد.

● آقا بابا مخمور اصفهانی: شهرت این فرد به آقا بابا و اصفهانی بودن او، در نگاه نخست، بررسی وی را ضروری می‌سازد. آقا بابا از موسیقی‌دانان دربار فتحعلی‌شاه بود که رساله‌ای با عنوان دوازده دستگاه موسیقی نگاشته است. از او به‌عنوان «خواننده خاقان مغفور» (فتحعلی‌شاه) نیز یاد شده است. به نظر می‌رسد «مخمور» تخلص شاعری وی بوده باشد (محمدی، ۱۳۹۱، ص. ۹۳۷). از آنجاکه اطلاعات بیشتری درباره وی در دست نیست و تنها به شاعری و موسیقی‌دانی او اشاره شده است، نمی‌توان او را پدر آقا نجف اصفهانی دانست.

● میرزا بابا حسینی الامامی اصفهانی: یکی از هنرمندان توانمند از خاندان سادات امامی اصفهانی است. پنج اثر از او بین سال‌های ۱۲۵۹ تا ۱۲۷۳ ه.ق مشاهده و گزارش شده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج. ۲، ص. ۱۲۸۶). بنابراین، همان‌گونه که مشهود است دو دلیل مانع از آن می‌شود که وی را پدر نجفعلی بدانیم: نخست انتساب میرزا بابا حسینی به سلسله سادات، درحالی‌که هیچ اشاره‌ای به سیادت نجفعلی و خانواده‌اش نشده است. دوم آن‌که وی تا سال‌ها پس از ۱۲۳۲ ه.ق، یعنی حدود زمان درگذشت پدر آقا نجف، در قید حیات بوده است.

در بررسی سه هنرمند نقاش دوره قاجار که عنوان «بابا» در لقب و نام آنان وجود داشت، هیچ‌کدام بر سایر مشخصات پدر آقا نجف مطابق نبود. باید توجه داشت که عناوینی چون «بابا»، «آقا بابا» یا «خان بابا» در آن سال‌ها از نام‌ها و شهرت‌های مرسوم بوده و حتی چندین تن از درباریان فتحعلی‌شاه «بابا» نام داشته‌اند (محمدی، ۱۳۹۱، ص. ۹۳۷). بنابراین، لازم است از طریق کلیدواژه دوم، یعنی «محمدجعفر»، جست‌وجو برای شناسایی هویت پدر آقا نجفعلی ادامه یابد.

● محمدجعفر نقاش: هنرمند چهره‌پرداز دوره صفوی که در تذهیب و تشعیر نیز استاد بوده است. یکی از آثار او مربوط به قرن ۱۰ ه.ق در موزه ملی بریتانیا نگهداری می‌شود (سرمدی، ۱۳۸۰، ص. ۶۵۵). روشن است که فاصله زمانی زیادی بین این هنرمند



تصویر ۱۱. قبالة‌نامه ازدواج آقا نجفعلی و ام‌کلثوم خانم، ۱۲۳۲ ه.ق. به دلیل ویژگی‌های رنگی سند، برای نمایش بهتر اجزای قبالة‌نامه و خواناتر شدن خطوط، کلیه تصاویر این سند به صورت سیاه‌وسفید قرار گرفته است.^۱

Figure 11. Marriage contract of Aqa Najaf-Ali and Umm Kulthum Khanom (1232 AH; 1816–1817 CE). Due to the document's color characteristics, all images of this contract are presented in black and white to better show its components and improve the legibility of the handwriting.²

می‌شود، میرزا بابا نقاش‌باشی، هنرمند سرشناس اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجار است. از همین رو، برخی پژوهشگران پیشین نیز او را پدر محمداسماعیل معرفی کرده‌اند. میرزا بابا در ابتدا در دربار کریم‌خان زند نقاشی می‌کرد و سپس به دربار آقا محمدخان قاجار راه یافت تا آن‌که در زمان فتحعلی‌شاه منصب نقاش‌باشی را دریافت داشت. به نظر می‌رسد از سال ۱۱۹۹ ه.ق فعالیت هنری میرزا بابا آغاز شده باشد (فالك، ۱۳۹۳/۱۹۷۲، صص. ۳۵–۳۶). پژوهش‌های اخیر نشان داده، میرزا بابا تا سال ۱۲۱۴ ه.ق به نقاشی رنگ‌روغن مشغول بوده، اما سایر آثار آبرنگی و سیاه‌قلم او تا ۱۲۳۶ ادامه داشته است (پنجه‌باشی، ۱۳۹۸، ص. ۶۹). آخرین اثری که از این هنرمند توسط نگارندگان شناسایی شده، نقاشی گل‌ومرغ با روش لاک‌ی بر جلد نسخه خطی

۱. این عکس از آرشیو شخصی نویسنده‌گان است.

2. Photo courtesy of the authors' personal archive

و آقا نجف وجود داشته است.

● محمدجعفر ابن نجفعلی: یکی از فرزندان آقا نجفعلی است که از استادان به نام و ماهر روزگار خویش بوده و شرح او پیشتر گذشت. اکنون بر ما مشخص است که نجفعلی نام این فرزند خود را از نام پدرش اقتباس نموده است.

● محمدجعفر: تذهیب‌کار، حکاک، حل‌کار، نقاش و خطاط بوده است. در فارسنامه ناصری او را «میرزا بابا درویش ذهبی» نامیده‌اند و میرزا احمد دیوان بیکی در حدیقه الشعرا او را استادی بی‌مانند در حکاکی دانسته که شهرت کار وی به هندوستان رسیده بود (سرمدی، ۱۳۸۰، ص. ۶۵۶). درباره محمدجعفر گفته‌شده: «این هنرمند در خط نستعلیق و تذهیب و حل‌کاری و ارائه نقوش اسلیمی و جدول‌سازی، دست داشت و عمده مهارت وی در حکاکی بود که از استادان تام‌العیار به حساب می‌آمد» (کریم‌زاده تبریزی، ج. ۲، ص. ۶۷۶). فارسنامه ناصری، فتحعلی شیرازی متخلص به «حجاب شیرازی» - از اساتید مسلم خط نستعلیق - را فرزند آقا محمدجعفر معرفی می‌نماید (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج. ۱، ص. ۱۱۶۴). گفته‌شده است که فتحعلی شیرازی در اوایل قرن ۱۳ ه. ق متولد شده و در حدود پنجاه‌سالگی، در سال ۱۲۶۹ ه. ق در شیراز درگذشته است؛ بنابراین می‌توان تولد او را در حدود سال ۱۲۲۰ ه. ق دانست (طاووسی، ۱۳۷۴، ص. ۱۰). از این رو، سن تقریبی حجاب شیرازی، فرزند محمدجعفر حکاک، با سن آقا نجفعلی همخوانی نسبی دارد.

محمدجعفر از جهات مختلف، از جمله نام، شهرت، حرفه و سن تقریبی فرزندش، با مشخصات شناخته‌شده پدر نجفعلی مطابقت دارد. تنها مسئله باقی‌مانده، شهرت وی به «شیرازی» بودن و اقامت فرزندش، «حجاب» در شیراز است؛ در حالی که مسلم است نجفعلی، محمدحسن و محمداسماعیل هر سه در اصفهان سکونت داشته‌اند و به‌طور منطقی پدر آنان نیز باید اصفهانی بوده باشد. بنابراین چگونگی مهاجرت برادر احتمالی آنان، یعنی فتحعلی حجاب به شیراز همچنان محل ابهام است. به باور نگارنده، پژوهش‌های بیشتری درباره محمدجعفر حکاک ضروری است؛ اما بر پایه اطلاعات موجود، نمی‌توان او را پدر نجفعلی دانست.

● محمدجعفر میناساز: هنرمند میناساز مشهور و متبحر روزگار فتحعلی شاه قاجار بود که آثار مینایی متعددی از وی در فاصله سال‌های ۱۲۲۲ تا ۱۲۴۲

ه. ق گزارش شده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج. ۳، ص. ۶۷۷). در نتیجه، این هنرمند تا سال‌ها پس از زمان درگذشت پدر نجفعلی، به هنرآفرینی مشغول بوده است.

● محمدجعفر اصفهانی: مذهبی گمنام و نازک‌قلم از اهالی اصفهانی بود که در دوره ناصری به این حرفه اشتغال داشت (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج. ۳، ص. ۶۷۶). اگر زمان زندگی او به درستی ثبت شده باشد، وی نیز پس از درگذشت پدر نجفعلی می‌زیسته است ● محمدجعفر امامی: از سادات امامی اصفهانی که در قلمدان‌سازی و جلدنگاری بسیار توانمند بوده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳). این هنرمند نیز به دلیل انتساب به خاندان امامی و برخورداری از سیادت، نمی‌تواند پدر نجفعلی باشد.

● محمدجعفر تهرانی حائری: مذهبی توانمند از اهالی تهران بود که در خط نسخ نیز مهارت داشته است. تنها اثر به‌جامانده از این هنرمند، رساله‌ای دینی است که در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود. این اثر دارای تاریخ ۱۲۸۱ ه. ق است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳). از این رو، این هنرمند نیز به دلیل اصالت تهرانی و وجود آثاری پس از ۱۲۳۲ ه. ق، فرد موردنظر نیست.

● محمدجعفر شیرازی: نقاش گل و مرغ و مذهب اهل شیراز بود که در کتابت خطوط گوناگون نیز مهارت داشته است. از جمله آثار ارزنده وی که جهت مظفرالدین شاه قاجار ترسیم شده، تصویر ضریح امام رضا (ع) در سال ۱۳۱۴ ه. ق است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج. ۳، ص. ۶۷۷). این فرد نیز به دلیل زمان و مکان زیست، پدر نجفعلی نیست.

چنان‌که مشخص شد، هیچ‌کدام از هنرمندان یادشده، نمی‌توانند پدر نجفعلی و محمداسماعیل باشند. به نظر می‌رسد در ثبت شرح احوال هنرمندان آن دوره، به دلیل تشابه اسمی، خطاها و تداخل تاریخی رخ داده باشد. همچنین این احتمال وجود دارد که در منابع تاریخی، میان میرزا بابا نقاش‌باشی معروف شیرازی و آقا بابا نقاش اصفهانی - پدر نجفعلی و محمداسماعیل - نوعی یکسان‌نگاری صورت گرفته باشد. از سوی دیگر، اگر سال تولد نجفعلی را بر مبنای شواهد ارائه‌شده حدود ۱۲۰۵ ه. ق در نظر بگیریم، برادر بزرگ‌تر وی، یعنی محمدحسن، حدود سال ۱۲۰۰ ه. ق و برادر کوچک‌ترش، محمداسماعیل، حدود ۱۲۱۵ ه. ق متولد شده‌اند. بر اساس سند ازدواج نجفعلی، سال درگذشت آقا بابا نقاش حدود



تصویر ۲۱. محمدجعفر بن محمدباقر (آقا بابا نقاش)، قرآن خطی همراه با تذهیب، ۱۲۳۱ هـ.ق، حراجی کریستینز (A Fine Qajar Half Qur'an, 1815-6 AD)

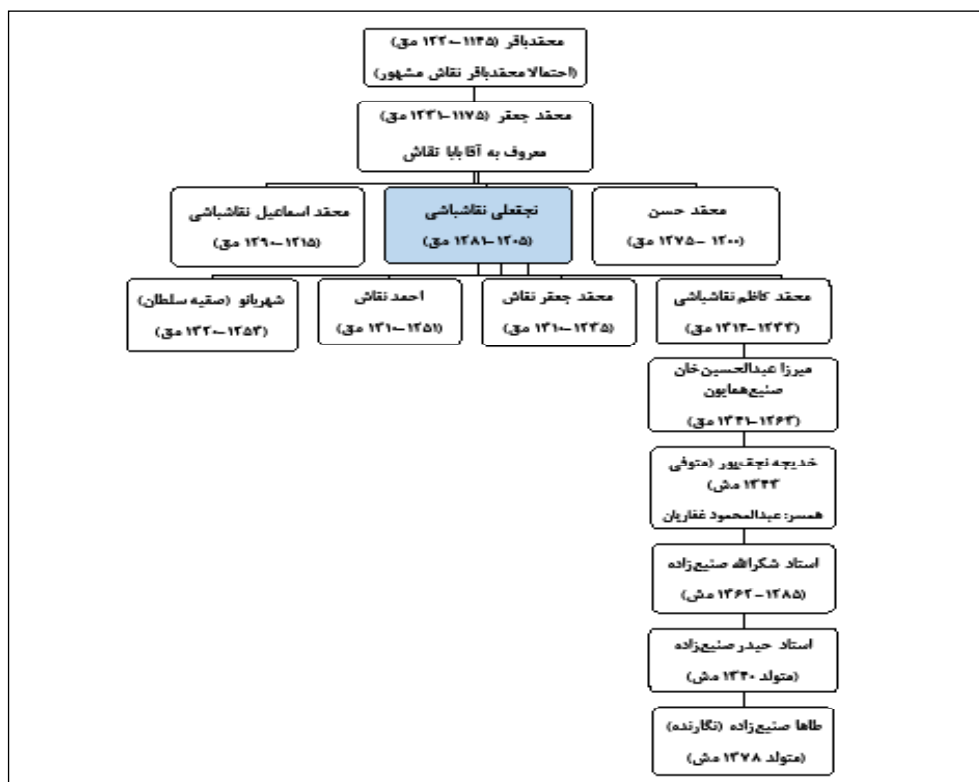
Figure 12. Mohammad Jafar ibn Mohammad Baqer (Aqa Baba Naqqash), illuminated manuscript Qur'an, 1231 AH (1815–1816 CE), Christie's auction (A Fine Qajar Half Qur'an, 1815–16 AD).

نکته دیگر آن که رواج و رونق نقاشی لاک، تذهیب و نگارگری در آن دوران، در کنار گرایش نجفعلی و محمداسماعیل به نقاشی لاک-که به احتمال زیاد ریشه در سنت موروثی و خانوادگی داشته است- این فرض را تقویت می‌کند که نیاکان آنان نیز در همین حوزه‌های هنری فعالیت داشته‌اند. تلاش‌های گسترده نگارندگان برای شناسایی اثر یا آثاری با امضای آقا بابا نقاش در منابع مکتوب، پایگاه‌های الکترونیکی و مخازن مجموعه‌ها و موزه‌های داخلی و خارجی، متأسفانه تاکنون بی‌نتیجه مانده است. امید می‌رود پژوهش سال‌های آتی به شناسایی آثاری از وی منجر شود. با این حال، این جست‌وجوها به کشف اثری هنری انجامید که می‌تواند در حل این مسئله راهگشا باشد:

در حراجی شماره ۶۹۴۵ موسسه «کریستینز» در سال ۲۰۱۲ م، یک قرآن مذهب به خط نسخ عرضه شد که داری امضای «محمدجعفر ابن محمدباقر» و سال ۱۲۳۱ هـ.ق است (تصویر ۱۲). با توجه به این که امضای هنرمند دیگری به‌عنوان مذهب در این اثر مشاهده نمی‌شود، احتمالاً تذهیب آن نیز به‌وسیله محمدجعفر انجام شده است. تاریخ خلق این اثر نیز پیش از زمان قطعی درگذشت آقا بابا نقاش قرار دارد (A Fine Qajar Half Qur'an, 1815-6 AD). همچنین

۱۲۳۲ هـ.ق بوده است. اگر به‌طور تقریبی تولد اولین فرزند او، یعنی محمدحسن را در سنین ۲۵ تا ۳۰ سالگی آقا بابا فرض کنیم، زمان تولد وی باید در حدود سال‌های ۱۱۷۵ تا ۱۱۸۰ هـ.ق بوده باشد. در این صورت، او هنگام درگذشت بین ۵۰ تا ۵۵ سال سن داشته است.

نکته‌ای که این حدسیات را تقویت می‌کند، آن است که آقا بابا نقاش، به‌احتمال فراوان، در روزگار خود هنرمندی چندان شناخته‌شده نبوده است؛ زیرا در سند ازدواج نجفعلی با کمترین القاب و صرف اشاره به حرفه نقاشی از وی یاد شده است. افزون بر این، اگر وی هنرمندی در سطح نقاش‌باشی‌های برجسته عصر خود بود، نجفعلی و محمداسماعیل در ترقیم آثار خود از او یاد می‌کردند؛ همان‌گونه که فرزندان نجفعلی و محمداسماعیل در تمام آثار خود از نام و شهرت پدران خود بهره برده‌اند. از سوی دیگر، درگذشت آقا بابا در سنین میان‌سالی و هم‌زمان با سال‌های آغازین جوانی نجفعلی و نوجوانی محمد اسماعیل، ممکن است سبب شده که آثار چندان از او بر جا نماند. همچنین این احتمال وجود دارد که فرزندان او پس از فراگیری مهارت‌های اولیه نزد پدر، برای تکمیل آموزش‌های هنری خود به استادان نامدار عصر مراجعه کرده باشند.



نمودار ۱. سلسلهٔ انساب خاندان هنری آقا نجفعلی اصفهانی از دورهٔ افشاریه تا دورهٔ معاصر

Chart 1. Genealogy of the artistic family of Aqa Najaf-Ali Isfahani from the Afsharid period to the contemporary era

بابا در میانسالی (و احتمالاً بر اثر بیماری یا حادثه ناگهانی) درگذشته، منطقی است که تا اواخر عمر، به فعالیت هنری مشغول بوده باشد.

۲. این هنرمند اصفهانی بوده و فرزندی به نام محمدحسن داشته است که از نظر سال‌های فعالیت هنری، معاصر آقا نجف بوده و منطقی می‌تواند برادر او باشد.

۳. چنانچه پدر آقا نجف، یعنی آقا بابا به حرفهٔ خوشنویسی و تذهیب اشتغال داشته و عمدهٔ فعالیت او در این زمینه بوده باشد، منطقی است که آثار نقاشی کمتری از او به یادگار مانده باشد که سبب شده هنوز اثر رقم‌داری در حوزهٔ نقاشی (مانند تابلو یا نقاشی لاک) از او شناسایی نشده باشد.

۴. در آثار نجفعلی، محمداسماعیل و فرزندان آنان، قطعات خوشنویسی فراوانی وجود دارد که نشان‌دهندهٔ مهارت آنان در زمینهٔ خوشنویسی است. نوع امضای هر یک از این هنرمندان نیز گواهی بر تبحر آنان در خطاطی است. منطقی است که این

در حراجی شمارهٔ ۱۱۹۶۱ همین موسسه در سال ۲۰۱۶ م، قرآنی با رقم «محمدحسن بن محمدجعفر» و تاریخ ۱۲۴۳ عرضه شد که این اثر نیز به خط نسخ و تذهیب خوب ساخته و پرداخته شده است (Qur'an, 1827 AD). قرآن دیگری از همین هنرمند نیز در حراجی شمارهٔ ۱۲۲۴۱ کریستیز در سال ۲۰۱۶ م ارائه شد که از نظر خط و تذهیب، شباهت بسیاری به قرآن پیشین دارد و دارای امضای «محمدحسن ابن محمدجعفر اصفهانی» و تاریخ ۱۲۷۰ ه.ق است^۱ (A Middle Eastern Collection Of Qajar Manuscripts, Qur'an, 1853-54 AD). این شواهد نشان می‌دهد که محمدجعفر کاتب قرآن اول، پدر کاتب دو قرآن بعدی است و به‌صراحت مشخص شده که این دو فرد اصفهانی بوده‌اند.

بنابراین چند دلیل وجود دارد که این محمدجعفر خطاط و مُذهب را پدر آقا نجف بدانیم:

۱. قرآن در سال ۱۲۳۱ ه.ق (سال آخر حیات آقا بابا نقاش) نگاشته شده است. با توجه به این‌که آقا

۱. مرحوم علامه جلال‌الدین همایی، این هنرمند را با عنوان «محمدحسن ابن محمدجعفر اصفهانی نسخ‌نویس» فعال در قرن ۳۱ شناسایی کرده و از وی دو اثر خوشنویسی مشاهده نموده است. همایی حدس زده این هنرمند تا حوالی سال ۱۲۶۷ ه.ق در قید حیات بوده است (همایی، ۱۳۷۵، ج. ۱، ص. ۱۱۳).



است؛ در این صورت نقاشی گل که توسط محمدباقر به «نورچشمی محمدحسن» اهداشده، در حقیقت به بزرگ‌ترین نوه‌اش هدیه شده است. افزون بر این، ممکن است مبنای ابتدایی احترام و ارتباط نجفعلی و نوادگانش در دربار قاجار، جایگاه رفیع محمدباقر نقاش در دربارهای زندیه و قاجاریه بوده باشد. البته همچنان انتساب آقا باقر نقاش به فرزندی محمدعلی بیگ نقاش‌باشی - چنان‌که برخی بدان قائل‌اند - محل تردید است و به نظر می‌رسد برای اظهار نظر قطعی در این باره، شواهد و مدارک بیشتری مورد نیاز است.^۱ در نهایت، بر مبنای یافته‌های این پژوهش، سلسله‌انساب این خاندان هنری به اختصار تمام، از اواخر دوره صفوی تا دوره معاصر در نمودار ۱ ارائه می‌شود. لازم به ذکر است که هنرمندان دیگری نیز در این خانواده زیسته‌اند که پرداختن به آنان و ارائه سلسله‌انساب کامل این خاندان هنری نیازمند مجالی دیگر در پژوهش‌های آتی است.

هنر از آقا بابا به فرزندان و سپس نوادگانش به ارث رسیده باشد.

همچنین می‌توان دریافت که آقا بابا نقاش، خود فرزند فردی به نام محمدباقر بوده که بنا به تقریب (با فرض حدود ۷۵ سال سن) در حدود سال‌های ۱۱۴۵ تا ۱۲۲۰ ه.ق، مقارن با دوره تسلط افغانه بر ایران و سپس سلطنت افشاریه می‌زیسته است. هرچند مشخص نیست محمدباقر دقیقاً به چه حرفه‌ای مشغول بوده اما سال‌های زیست این فرد با محمدباقر نقاش معروف (هنرمند دوران زندیه، افشاریه و اوایل قاجار) تطابق دارد و بعید نیست این دو نفر، یکی باشند. به‌ویژه آن‌که پژوهشگران پیشین بر مبنای آثار آقا باقر نقاش، سال‌های زیست وی را در حدود سال‌های ۱۱۴۰-۱۲۲۰ ه.ق حدس زده‌اند (آژند، ۱۳۹۴، ص. ۳۷). موضوع دیگری که این حدس را تقویت می‌کند، خانوادگی و موروثی بودن حرف و صنایع، از جمله هنر در روزگار پیشین

نتیجه

در جمع‌بندی این پژوهش باید گفت که بر مبنای سند تاریخی‌ای که در این مقاله برای نخستین‌بار منتشر شده است، برخلاف دیدگاه بسیاری از پژوهشگران پیشین، پدر آقا نجفعلی نقاش نه میرزا بابا نقاش و نه آقا باقر نقاش بوده؛ بلکه وی فرزند آقا محمدجعفر ملقب به آقا بابا نقاش و نوه محمدباقر (احتمالاً آقا باقر نقاش) بوده است. آقا بابا خود هنرمندی خوشنویس، مذهب و نقاش اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجار بود که احتمالاً در حدود سال‌های ۱۱۷۵ تا ۱۱۸۰ ه.ق در اصفهان متولد شده است. وی در حدود سال ۱۲۳۲ ه.ق و در سن ۵۰ تا ۵۵ سالگی درگذشت. فرزندان شناخته‌شده او محمدحسن (متولد حدود ۱۲۰۰ ه.ق)، نجفعلی (متولد حدود ۱۲۰۵ ه.ق) و محمداسماعیل (متولد حدود ۱۲۱۵ ه.ق) هستند. از آقا بابا که در میانسالی درگذشت، تاکنون تنها یک قرآن به خط نسخ و با تذهیب نفیس شناسایی شده که در اواخر عمر او، یعنی در سال ۱۲۳۱ ه.ق کتابت شده است. این هنرمند کمتر شناخته‌شده، عضوی از یکی از مهم‌ترین خاندان‌های هنری ایران از دوره زندیه تا دوره معاصر بوده است. از این رو، پس از نزدیک به شش دهه نظریه‌پردازی پژوهشگران متعدد داخلی و خارجی درباره پیشینه این خاندان، اکنون بر اساس شواهد و مدارک متقن تاریخی، تبارشناسی و پیشینه‌یابی خاندان هنری نجفعلی تا اواخر دوره صفوی امکان‌پذیر شده و اجداد آقا نجفعلی با دقت بیشتری معرفی شده‌اند

تقدیر و تشکر (Acknowledgement)

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول، با راهنمایی نگارنده دوم، با عنوان «پژوهشی در تاریخ، مبنای و استمرار آفرینش‌های هنری در خاندان نجفعلی نقاش‌باشی اصفهانی» در گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه تهران است که در شهریور ۱۴۰۲

۱. چنان‌که اشاره شد، به باور آژند (۱۳۹۲: ۱۳۹۴)، محمدباقر نقاش به ترتیب فرزند محمدعلی نقاش‌باشی، نوه ابدال بیگ و نتیجه علیقلی بیگ جبارنقاش مشهور فرنگی‌ساز عصر صفوی است؛ اما در اینجا در خصوص امتداد اجداد آقا نجفعلی پیش از محمدباقر «توقف» خواهد شد. نخست به این دلیل که نحوه انتساب محمدباقر به فرزندی محمدعلی تاکنون تنها بر شباهت نام در ترقیم یک اثر هنری مبتنا دارد و به باور نگارندگان، این موضوع نیازمند مطالعات و پژوهش‌های بیشتر است. دوم، به این دلیل که اگرچه شواهد و قرائن یادشده در متن این پژوهش بر آن دلالت دارد که نجفعلی نوه محمدباقر نقاش شهیر باشد، اما این موضوع نیز همچنان با قطعیت تمام به اثبات نرسیده است. از این رو، به جهت جلوگیری از اختلاط نتایج پژوهش با حدسیات اثبات نشده، ابتدای سلسله انساب خاندان نجفعلی نقاش‌باشی «اکنون» تا همین مرحله اعلام خواهد شد. انشالله یافته‌های تاریخی و هنری که در آینده انتشار خواهند یافت سبب شود تا تاریخچه ظهور این خانواده در هنر ایران بیش‌ازپیش هویدا گردد (نگارندگان).

از آن دفاع شده است.

تعارض منافع (Conflict of Interest)

نویسندگان اعلام می‌دارند که در خصوص انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی، از جمله سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوء رفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر و همچنین، سیاست مجله در قبال استفاده از هوش مصنوعی از سوی نویسندگان رعایت شده است.

منابع و مأخذ

آتابای، ب.، گردآورنده. (۱۳۵۲). فهرست کتب دینی و مذهبی خطی کتابخانه سلطنتی. تهران: چاپخانه زیبا.

<https://blib.ir/index-Ayaby1352>

آژند، ی. (۱۳۸۶). نقاشان دوره قاجار. گلستان هنر، ۳(۳)، ۷۴-۸۱.

<http://golestanehonar.ir/article-1-126-fa.html>

آژند، ی. (۱۳۹۱). احوال و آثار محمدعلی بیک نقاشباشی. هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، ۴(۴۹)، ۵۷-۶۴.

<https://doi.org/10.22059/jfava.2012.28520>

آژند، ی. (۱۳۹۲). کارستان هنری آقا نجفعلی. هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، ۱۸(۴)، ۳۳-۴۲.

<https://doi.org/10.22059/jfava.2014.36424>

آژند، ی. (۱۳۹۴). کارستان هنری محمدباقر. هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، ۲۰(۴)، ۲۷-۳۷.

<https://doi.org/10.22059/jfava.2015.57011>

احسانی، م. (۱۳۸۲). جلدها و قلمدان‌های ایرانی و نگارگری (ج. ۲: هنرمندان ایرانی در سه قرن اخیر). امیرکبیر.

<https://ketab.ir/Book/2AC119C0-64BC-422C-ACF0-D4EDB9704612>

ادیب برومند، ع. (۱۳۶۶). هنر قلمدان. تهران: انتشارات وحید.

<https://esam.ir/item/35849562>

ادیب برومند، ع. (۱۳۷۶). دو هنرمند نقاش و چند خاندان هنرمند اصفهانی. نشریه وقف میراث جاویدان، ۱۹-۲۰، ۲۳۰-۲۳۵.

<http://noo.rs/BpZDS>

اسکیرس، ج. م. (۱۳۹۹). شکوه هنر قاجار: مجموعه مقالات فرهنگ، هنر و کاشی کاری عصر قاجار (ع. بهارلو، و م. قاسمی، مترجمان). تهران: خط و طرح

<https://yazdbook.com/Book/75426>

بنجامین، س. گ. و. (۱۳۶۳). ایران و ایرانیان: عصر ناصرالدین شاه (ح. کردیچه، مترجم). تهران: بدرقه جاویدان؛ جاویدان. (نسخه اصلی منتشر شده در ۱۸۸۷). <https://www.iketab.com/%D8>

پاکباز، ر. (۱۳۹۹). دائرةالمعارف هنر (۳ ج.). فرهنگ معاصر

<https://ajansbook.ir>

پنج‌باشی، الف. (۱۳۹۸). مطالعه نقش میرزا بابا به‌عنوان هنرمند نقاشباشی در دوره قاجار. پژوهشنامه گرافیک و نقاشی، ۲(۳)، ۶۸-۸۴

<https://doi.org/10.22051/pgr.2019.21387.1001>



خلیلی، ن. (۱۳۸۶). کارهای لاکي (ر. رفیعی سخایی، مترجم). تهران: نشر کارنگ

<https://elmnet.ir/doc/31146428-11803>

خلیلیان، ح. (۱۳۹۶). مدخل میرزا عبدالحسین صنیعهمایون. در الف. منتظرالقائم (نظارت کننده)، دانشنامه تخت فولاد اصفهان (ج. ۳، صص. ۱۲۱-۱۲۲). شهرداری اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

<https://www.ghbook.ir/index.php>

دیبا، ل. و اختیار، م. (سرویراستاران) (۱۴۰۱). نقاشی‌های سلطنتی ایران در عصر قاجار (ع. بهارلو، و ک. معتقدی، مترجمان). تهران: خانه فرهنگ و هنر مان.

<https://ketab.ir/Book/D895BFED-B8FF-45A5-8F77-69DB82A4D37C>

سپهرم، الف. م. (۱۳۴۱). تاریخ برگزیدگان و عدهای از مشاهیر ایران و عرب. تهران: کتابفروشی زوار.

<https://www.ketabsource.ir/downloads>

سپهرم، الف. م. (۱۳۴۴). آقا نجف اصفهانی قلمدان ساز. هنر و مردم، ۳۱، ۲۵.

<http://noo.rs/u9HWs>

سرمدی، ع. (۱۳۸۰). دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام: از مانی تا معاصرین کمال‌الملک. هیرمند.

<https://ketab.ir/Book/14D45F3A-5185-4C58-9DC9-8FA4BEBCEE82>

شین دشتگل، ه. (۱۳۸۷). مجالس شاهنامه قجری بر بنیاد نقاشی‌های مردمی (رقم آقا نجف اصفهانی). فرهنگ مردم، ۷ (۲۴)، ۹۹-۱۲۰.

<https://www.magiran.com/p512704>

صنیع‌زاده، ح. (۱۳۸۳). معرفی یک سند تاریخی مبنی بر مرمت آثار نقاشی ابنیه دوره صفوی اصفهان توسط آقا محمدکاظم در قرن سیزدهم. در ر. بهادری، و ش. امین شیرازی نژاد (ویراستاران)، مجموعه مقالات سومین و چهارمین همایش سالانه حفاظت و مرمت اشیاء تاریخی - فرهنگی و تزئینات وابسته به معماری (صص. ۳۷۴-۳۸۲). تهران: اداره کل موزه‌ها، سازمان میراث فرهنگی کشور.

<https://sushiant.com/book/%D9>

صنیع‌زاده، ح. (۱۳۹۶). مدخل شکرالله صنیع‌زاده. در الف. منتظرالقائم (نظارت کننده)، دانشنامه تخت فولاد اصفهان (ج. ۳، صص. ۱۲۱-۱۱۷). شهرداری اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

<https://www.ghbook.ir/index.php>

طاووسی، م. (۱۳۷۴). آقا فتحعلی حجاب شیرازی. نوید شیراز.

<https://ghalamtarash.ir/product/%D8>

عدل، ش. (۱۳۷۹). هنر و جامعه در جهان ایرانی (الف. اشراقی، مترجم). تهران: انتشارات توس.

<https://www.iranketab.ir/book/65242-art-et-socite-dans-le-monde-iranien>

فالك، إس. جی. (۱۳۹۳). شمایلنگاران قاجار: نقاشی‌های رنگ‌روغن ایران در سده‌های ۱۲ و ۱۳ هجری قمری - ۱۸ و ۱۹ میلادی (ع. بهارلو، مترجم). تهران: پیکره

<https://ketabjam.com/product/book-of-religious-iconography-in-qajar-art/>

(نسخه اصلی منتشرشده در ۱۹۷۲).

فریه، ر. دبلیو. (۱۳۷۴). هنرهای ایران (پ. مرزبان، مترجم). تهران: مؤسسه نشر فروزان روز.

<https://irani-online.ir/product/17387>

کریم‌زاده تبریزی، م. ع. (۱۳۵۴). آقا نجف علی نقاش باشی اصفهانی. هنر و مردم، ۱۵۹-۱۶۰، ۸۸-۹۲.

<http://noo.rs/9uj9w>

کریم‌زاده تبریزی، م. ع. (۱۳۶۳). احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی (ج. ۲-۳). لندن، مستوفی.

<https://noorlib.ir/book/info/106962>

گلدک، ج.، و گلدک، س. ه. (ویراستاران). (۱۳۵۵). سیری در صنایع دستی ایران (ی. ذکاء، و ر. علوی، مترجمان). بانک ملی ایران.

<https://kamyabook.ir/D8/B3>

محمدی، م. (۱۳۹۱). رساله دوازده دست‌گناه: متنی ارزشمند درباره موسیقی دوره فتحعلی شاه. پیام بهارستان، ۴ (۱۶)، ۹۳۰-۹۴۷.

<http://noo.rs/70jg3>

موسوی بجنوردی، م. ک. (۱۳۷۷). دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

<https://www.iranketab.ir/book/114719-the-great-islamic-encyclopedia>

همایی، ج. (۱۳۷۵). تاریخ اصفهان (ج. ۱). هنر و هنرمندان؛ م. همایی، ویراستار. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

<https://docibox.ir/book/3343718>

Reference

A Fine Qajar Half Qur'an. [First half of the Qur'an from Qur'an I (sura al-fatiha) to Qur'an XVII (sura al-isra'), Arabic manuscript on paper, 556ff. plus two fly-leaves, each folio with 7ll. of fine black naskh script, sura headings marked by gold and polychrome floral illuminated cartouches on gold ground, Text panel 10.3 x 5.3cm.; folio 26.4 x 16cm.]. (1815-6 AD). Signed Ibn Muhammad Baqir Muhammad Ja'far, Qajar Iran. Christie's Auction. Live Auction 6945 Arts of Islam, Lot 608. <https://www.christies.com/lot/lot-5604540>

A Middle Eastern Collection Of Qajar Manuscripts Qur'an [Arabic manuscript on cream paper, 231ff., four fly-leaves, 19ll. of fine black naskh within text panels outlined in gold and black, each folio with the name of the sura in a medallion in the upper outer corners, sura headings in gold on blue ground within illuminated panels, hizb, nisf, sajda and juz' marked in marginal medallions, catchwords, opening bifolio with illumination framing 6ll. of text, preceding bifolio with two medallions surrounded by floral scrolls, colophon signed and dated and followed by a similarly illuminated bifolio, in original lacquer binding; Text panel 13.4 x 7.3cm.; folio 19.5 x 12.5cm.]. (1853-54 AD). Signed Ibn Muhammad Ja'far Muhammad Hasan Al-Isfahani, Qajar Iran. Christie's Auction. Live Auction 11961 Art of the Islamic & Indian Worlds, Lot 76. <https://www.christies.com/lot/lot-6024754>



- Adib Boroumand, A. (1987). *The Art of Qalamdan* [Pencase art]. Tehran: Vahid Publications. <https://esam.ir/item/35849562> [In Persian].
- Adib Boroumand, A. (1997). Two painterartists and several Isfahani artist families. *Vaqf: Mirase Javidan Journal*, 19–20, 230–235. <http://noo.rs/BpZDS> [In Persian].
- Adl, Sh. (2000). *Art and Society in the Iranian World* (A. Eshraghi, Trans.). Tehran: Toos Publications. <https://www.iranketab.ir/book/65242-art-et-socite-dans-le-monde-iranien> [In Persian].
- Atabay, B. (Compiler). (1973). *Index of Handwritten Religious and Theological Books of the Royal Library*. Tehran: Ziba Printing House. <https://bilib.ir/index-Ayaby1352> [In Persian].
- Azhand, Y. (2007). Painters of the Qajar period. *Golestane Honar: Advanced Research Institute of Art*, 3(3), 74–81. <http://golestanehonar.ir/article-1-126-fa.html> [In Persian].
- Azhand, Y. (2012). The Life and achievements of Muhammad Ali Naqqashbashi. *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 4(49), 57-64. <https://doi.org/10.22059/jfava.2012.28520> [In Persian].
- Azhand, Y. (2014). The life and achievements of Najaf Ali Isfahani. *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 18(4), 33-42. <https://doi.org/10.22059/jfava.2014.36424> [In Persian].
- Azhand, Y. (2015). Life and achievements of Muhammad Baqir. *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 20(4), 27-37. <https://doi.org/10.22059/jfava.2015.57011> [In Persian].
- Benjamin, Samuel Greene Wheeler. (1985). *Persia and the Persians: The Age of Nasser al-Din Shah* (H. Kordbacheh, Trans.). Tehran: Badraghe Javidan; Javidan. <https://www.iketab.com/%D8> (Original work published 1887). [In Persian].
- Diba, L., & Ekhtiar, M. (Series Eds.). (2022). *Royal Persian Paintings in the Qajar Epoch* (A. Baharloo & K. Motaghedi, Trans.). Tehran: Maan House of Culture and Art. <https://ketab.ir/Book/D895BFED-B8FF-45A5-8F77-69DB82A4D37C> [In Persian].
- Ehsani, M. T. (2003). *Iranian Bookbing and Pencases: A Commentary on the History of Bookbinding and Pencases in Iran (Vol. 2: Iranian Artists in the Last Three Centuries)*. Amirkabir. <https://ketab.ir/Book/2AC119C0-64BC-422C-ACF0-D4EDB9704612> [In Persian].
- Elabed Yaseen, E. M. (2022). Najaf an Iranian Artistic Family. *International Journal of advanced Studies in World archaeology*, 5(2), 306-331. Retrieved May 21, 2024, from https://www.researchgate.net/publication/365917934_Najaf_an_Iranian_Artistic_Family_-_An_Archeological_Artistic_Study
- Falke, S. J. (2014). *Qajar Paintings: Persian Oil Paintings of the 18th & 19th Centuries* (A. Baharloo, Trans.). Tehran: Peykareh. <https://ketabejam.com/product/book-of-religious-iconography-in-qajar-art/> (Original work published 1972). [In Persian].

- Ferrier, R. W. (1995). *The Arts of Persia* (P. Marzban, Trans.). Tehran: Forouzan-e Rooz. <https://irani-online.ir/product/17387> [In Persian].
- Floor, W. M. (1999). Art (Naqqashi) and Artists (Naqqashan) in Qajar Persia. *Muqarnas: An Annual on the Visual Culture of the Islamic World*, XVI, 125-154. <https://www.archnet.org/publications/4862>
- Gluck, J., & Gluck, S. H. (1977). *Survey of persian art* (Y. Zoka, & R. Alavi, Trans.). Meli Bank of Iran. <https://kamyabook.ir/D8/B3> [In Persian].
- Homaei, J. (1996). *History of Isfahan* (Vol. 1, *Art and Artists*; M. Homaei, Ed.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. <https://docibox.ir/book/3343718> [In Persian].
- Karimzadeh Tabrizi, M. A. (1975). Aqa Najaf Ali, chief painter of Isfahan. *Art and People*, 159-160, 88-92. <http://noo.rs/9uj9w> [In Persian].
- Karimzadeh Tabrizi, M. A. (1984). *Lives and Works of the Old Painters of Iran and Some Famous Painters of India and the Ottoman Empire* (Vols. 2-3). London: Mostofi. <https://noorlib.ir/book/info/106962> [In Persian].
- Khalili, N. (2007). *Lacquer Works* (R. Rafiei Sakhai, Trans.). Tehran: Karang. <https://elmnet.ir/doc/31146428-11803> [In Persian].
- Khalilian, H. (2017). Mirza Abdolhossein Sani'e Homayoun [Entry]. In A. Montazerolghaem (Ed.), *Encyclopedia of Isfahan's Takht-e Fulad* (Vol. 3, pp. 121-122). Isfahan Municipality, Isfahan Municipality Cultural and Recreational Organization. <https://www.ghbook.ir/index.php> [In Persian].
- Mohammadi, M. (2012). Twelve Dastgah treatise: A valuable text on the music of the Fath-Ali Shah period. *Payam-e Baharestan*, 4(16), 930-947. <http://noo.rs/70jg3> [In Persian].
- Mousavi Bojnourdi, M. K. (1998). *Great Islamic Encyclopedia*. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia. <https://www.iranketab.ir/book/114719-the-great-islamic-encyclopedia> [In Persian].
- Pakbaz, R. (2020). *The Encyclopedia of Art* (3 vols.). Farhang-e-Moaser. <https://ajansbook.ir> [In Persian].
- Panjehbashi, E. (2020). Studying the role of Mirzababa in the Qajar period as a painter. *Painting Graphic Research*, 2(3), 68-84. <https://doi.org/10.22051/pgr.2019.21387.1001> [In Persian].
- Pinder-Wilson, R. H. (1969). *Paintings from Islamic Lands*. Oxford. https://www.google.com/books/edition/Paintings_from_Islamic_Lands/mnhIAQAIAAJ?hl=en
- Qur'an [Arabic manuscript on paper, 213ff. plus four fly-leaves, each folio with 19ll. of fine black naskh in gold clouds, fine illuminated headings and marginal roundels, commentary in shikasteh in gold clouds, double page opening illumination in gold and polychrome, preceded by another double page with medallions, similar illumination at end, the middle bifolio with illuminated margins, colophon signed and dated, in original lacquer binding with gul-o bulbul motif, one board



- loose; Text panel 9 x 4.8cm.; folio 2 x 7.5cm]. (1827 AD). Copied For Abu'l Qasim, Signed Muhammad Hassan Bin Muhammad Ja'far, Qajar Iran. Christie's Auction. Live Auction 11961 Art of the Islamic & Indian Worlds, Lot 141. <https://www.christies.com/lot/lot-5985304>
- Robinson, B. W. (1967). A Lacquer Mirror-Case of 1854. *Iran: Journal of the British Institute of Persian Studies*, 5(1), 1–6. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/05786967.1967.11834758>
- Robinson, B. W. (1970). Persian Laquer in Bern Historical Museum. *Iran: Journal of the British Institute of Persian Studies*, 8(1), 47-50. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/05786967.1970.11834787>
- Sanizadeh, H. (2004). Introduction to a historical document concerning the restoration of painting works in Isfahan's Safavid-period buildings by Aqa Mohammad Kazem in the thirteenth century. In R. Bahadri, & Sh. Amin Shirazi Nejad (Eds.), *Proceedings of the 3rd, 4th Annual International Symposium on Conservation and Restoration of Historical Artifacts and Architectural Decorations* (pp. 374–382). Tehran: General Directorate of Museums, Cultural Heritage Organization of the Country. <https://sushiant.com/book/%D9> [In Persian].
- Sanizadeh, H. (2017). Shokrollah Sanizadeh [Entry]. In A. Montazerolghaem (Ed.), *Encyclopedia of Isfahan's Takht-e Fulad* (Vol. 3, pp. 117–121). Isfahan Municipality, Isfahan Municipality Cultural and Recreational Organization. <https://www.ghbook.ir/index.php> [In Persian].
- Sarmadi, A. (2001). *Encyclopedia of the Artists of Iran and the Islamic World: From Mani to the Contemporaries of Kamal al-Molk*. Hirmand. <https://ketab.ir/Book/14D45F3A-5185-4C58-9DC9-8FA4BEBCEE82> [In Persian].
- Scarce, J. M. (2020). *Magnificence of Qajar* (A. Baharlou, & M. Ghasemi, Trans.). Tehran: Khat & Tarh. <https://yazdbook.com/Book/75426> [In Persian].
- Sepehram, A. M. (1962). *History of the Elect and a Number of Notable Figures of Iran and the Arab world*. Tehran: Zavar Bookstore. <https://ketab.ir/Book/D895BFED-B8FF-45A5-8F77-69DB82A4D37C> [In Persian].
- Sepehram, A. M. (1965). Aqa Najaf Isfahani, pen-case maker. *Art and People*, 31, 25. <http://noo.rs/u9HWs> [In Persian].
- Shin-Dashtgol, H. (2008). Qajar *Shahnameh* scenes based on folk paintings (signed by Aqa Najaf Isfahani). *Farhang-e Mardom*, 7(24), 99–120. <https://www.magiran.com/p512704> [In Persian].
- Tavoosi, M. (1995). *Aqa Fath-Ali Hejab Shirazi*. Navid-e Shiraz. <https://ghalamtarash.ir/product/%D8> [In Persian].